

بخش سوم

توضیحات مشترک در تدریس

تأکيدات مهم درباره شیوه تدریس و ارزشیابی کتاب:

۱ کتاب عربی زبان قرآن پایه یازدهم در هفت درس تنظیم شده است. هر درس را می‌توان در سه جلسه آموزشی تدریس کرد. سال تحصیلی حدود ۳۰ جلسه آموزشی دارد. از مهر تا اسفند با حذف دو هفته امتحانات دی ماه ۲۲ جلسه است. دو هفته دوم فروردین و ماه اردیبهشت نیز شش جلسه است. از طرفی ماه‌های مهر تا بهمن ۳۰ روزه و دو ماه فروردین و اردیبهشت نیز ۳۱ روزه‌اند؛ لذا ۱۲ روز، یعنی دو جلسه دیگر افزوده می‌شود. به عبارت ساده‌تر وقتی که به تقویم نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که یکی از روزهای هفته پنج بار تکرار شده است. پس تعداد جلسات سال تحصیلی بر مبنای زنگ‌های متعارف نود دقیقه‌ای ۳۰ جلسه است. تدریس کتاب بر مبنای ۲۱ جلسه است. روزهای دیگر سال تحصیلی برای تعطیلات احتمالی و تکرار و تمرین می‌باشد.

۲ دانش‌آموز پایه یازدهم تاکنون با این ساختارها آشنا شده است:

■ فعل‌های ماضی، مضارع، امر، نهی، منفی، مستقبل، معادل ماضی استمراری، ترکیب اضافی و وصفی برای ترجمه صفت مؤخر در ترکیب‌هایی مانند «أَخُوکِنَّ الصَّغِيرُ». هدف آموزش ترکیب وصفی و اضافی در عربی پایه نهم این بود که دانش‌آموز بتواند ترکیب‌هایی مانند «أَخَى الْعَزِيزِ» را داخل جمله (نه بیرون از جمله) ترجمه کند.

■ اسم اشاره (أَمَّا فَرَقَ هَذَا وَ هَذَيْنِ وَ هَاتَانِ وَ هَاتَيْنِ تَدْرِيسُ نَشَدَةُ اسْمِ)

■ کلمات پرسشی (هَلْ، أَمْ، أَيْنَ، كَيْفَ، مَتَى، كَيْفَ، مَا «يَمَّ، مِمَّ، عَمَّ، مَاذَا، ماهو، ماهی» لِمَ،

لِمَاذَا، أَيْ، مَنْ «مَنْ هُوَ، مَنْ هِيَ»

■ ساعت‌خوانی (حالت کامل، حالت مانده به و حالت گذشته)

■ وزن و ریشه کلمات (در بخش وزن و حروف اصلی نیز با چند وزن معروف آشنا شده

است).

■ عددهای اصلی یک تا صد (بدون توجه به قواعد معدود و ویژگی‌های دشوار نحوی آن)

و عددهای ترتیبی یکم تا بیستم

■ تشخیص و ترجمه فعل مجهول، جایگاه نون وقایه، اسم فاعل، اسم مفعول و اسم مبالغه

■ تشخیص المحلّ الإعرابی یعنی فاعل، مفعول، مبتدا، خبر، صفت، مضاف‌الیه، جار و مجرور؛ مجرور به حرف جرّ. اما تشخیص اِعراب (اصلی و فرعی) هدف نیست. در این کتاب، تشخیص نوع باب و صیغه فعل، مانند «مفرد مذکر غایب» و ذکر اصطلاحات ثلاثی مجرّد و مزید و تشخیص آنها از اهداف آموزشی نیست. تشخیص چندم شخص فارسی نیز هدف نیست؛ مثلاً چنین سوّالی مردود است:

تسترجعین چندم شخص است؟

اگر دانش‌آموز، فعل را در حالت «سوم شخص مفرد» حفظ کند، برای کمک به شناخت فعل و ترجمه آن اشکالی ندارد. اما صرف این افعال به روش متعارف چهارده صیغه از اهداف نیست؛ بلکه شناخت و ترجمه آنها در جمله هدف است. معلّم نیز می‌تواند برای آموزش ابواب از وزن آنها استفاده کند. (اِسْتَفْعَلْ، يَسْتَفْعِلْ، اِسْتَفْعَلْ، اِسْتَفْعَلْ).

دانش‌آموز باید «تُم» را در «فَعَلْتُمْ» بشناسد و این فعل‌ها را به دنبال آن درست ترجمه کند: حَرَجْتُمْ، تَحَرَّجْتُمْ، أَخْرَجْتُمْ و اِسْتَخْرَجْتُمْ. تصوّر برخی افراد از درس عربی این است که عربی یعنی صرف فعل، اسم اشاره، اسم موصول، و دانش‌آموزان را به حفظ چنین مواردی ملزم می‌کنند. در حالی که همه اینها باید در داخل جمله باشد.

در همه جای کتاب، آموخته‌های پیشین تکرار شده است، تا با گذر زمان کم‌کم این آموخته‌ها ملکه ذهن فراگیر شود.

۲۷ متن درس اوّل، بخشی از آیات اخلاقی قرآن (آیه ۱۱ و ۱۲ سوره حُجُرَات) است. قواعد درس اوّل درباره شناخت اسم تفضیل و اسم مکان است. در تمرینات اسم فاعل، اسم مفعول و اسم مبالغه که در سال گذشته آموزش داده شده، دوباره تکرار شده است. نیازی به تشخیص جامد نیست. دانستن اینکه کلماتی مانند جِدَار، كِتَابَة و اِسْتِخْرَاج جامدند، تأثیری در فهم متن ندارد. جایگاه چنین مطالبی در دروس تخصصی دانشگاه است نه در مدرسه. دانستن اینکه طریق جامد است، یا مشتق کمک چندانی به دانش‌آموز در فهم متن که هدف اصلی درس عربی است نمی‌کند.

۴ موضوع متن درس دوم، احترام نهادن به کلاس و معلّم است. این متن در نظرسنجی‌ها تأییدکنندگان بسیار داشت. قواعد درس دوم دربارهٔ اسلوب شرط است. دانش‌آموز با نحوهٔ ترجمهٔ ادوات شرط «مَنْ، ما، اِنْ و اِذَا» آشنا می‌شود. فعل شرط و جواب آن را تشخیص می‌دهد. اما آموزش جزم از اهداف نیست. دبیر می‌تواند به جزم افعال اشاره کند و توجه دانش‌آموز را به تفاوت فعل‌های «يَذْهَبُ و اَنْ يَذْهَبَ»، «يَسْمَعُونَ و لَكِي يَسْمَعُوا» جلب کند و از او بخواهد فرق چنین افعالی را توضیح دهد، ولی توضیح دبیر به این معنا نیست که در امتحان از آن سؤال طرح کند.

۵ موضوع متن درس سوم شگفتی‌های درختان است. اندیشیدن پیرامون آفریده‌های خدا در رهنمودهای بزرگان دین همواره تأکید شده، با توجه به سنّ پرجوش و خروش جوانی دانستنی‌هایی در متن آمده است که موجب ایجاد علاقه و انگیزه نسبت به درس می‌شود. این متن و متون مشابه در نظرسنجی از دانش‌آموزان طرفداران بسیاری داشت. قواعد درس دربارهٔ ترجمهٔ درست اسم معرفه و نکره است. از شش نوع اسم معرفه، فقط دو نوع توضیح داده شده که مهم‌ترین آنها نیز است. (معرفه به ال و عَلَم) چهار نوع دیگر معارف، در کتاب توضیح داده نشده‌اند. برای دانش‌آموز معرفه به ال در فهم متن تأثیرگذار است. بدیهی است که در هیچ آزمونی چهار نوع دیگر معارف سؤال داده نمی‌شود.

۶ موضوع متن درس چهارم آداب سخن گفتن است. آداب سخنوری با بهره‌گیری از سخنان بزرگان دین برای دانش‌آموز توضیح داده شده است. هدف از تدریس کتاب پیش رو، تنها مهارت‌های چهارگانهٔ زبانی نیست. در بیشتر متون و عبارات کتاب برنامهٔ پنهان آموزش وجود دارد که هدف آنها آموزش غیرمستقیم فرهنگ ایرانی - اسلامی است. این هدف مطابق برنامهٔ درسی ملی است.

دانش‌آموز در بخش قواعد درس چهارم، با معادل‌هایی از ماضی استمراری، ماضی بعید و مضارع التزامی آشنا می‌شود. چنین اصطلاحاتی در دستور زبان عربی وجود ندارد و این مبحث صرفاً برای دانش‌آموز فارسی زبان طراحی شده است.

۷ متن درس پنجم، داستانی در نکوهش دروغگویی است. در بسیاری از فرهنگ‌ها دروغ، کاری بسیار زشت شمرده شده است. در آیین اسلام احادیث فراوانی در مذمت دروغگویی آمده است. این داستان برای دانش‌آموزان آراسته به سخنان بزرگان دین است و در آن از شیوه آموزش غیرمستقیم استفاده شد، روشی که بنا به باور متخصصان حوزه تعلیم و تربیت، مؤثرترین روش تربیتی است.

در قواعد این درس، معانی حروف «أَنَّ» و «كَيْ، لِي، لِيْ، لِيْ» آموزش داده شده است. نصب فعل مضارع از اهداف نیست؛ لذا از آن سؤال طراحی نمی‌شود. هدف این است که دانش‌آموز فعل‌هایی مانند «لَنْ يَيْئَسَ» را در جمله بشناسد، درست بخواند و درست ترجمه کند.

دبیر مجاز است که به نصب فعل مضارع اشاره کند و دانش‌آموز را به تفاوت فعل در دو جمله (التلاميذ يَذْهَبُونَ) و (يُرِيدُونَ أَنْ يَذْهَبُوا) ارجاع دهند. اما این اشاره به معنای طرح سؤال امتحان نیست. دبیر از دانش‌آموز می‌خواهد فرقی ظاهری (يَذْهَبُ و يُرِيدُ أَنْ يَذْهَبُ)، (يَذْهَبُونَ و يُرِيدُونَ أَنْ يَذْهَبُوا) را خود دانش‌آموز توضیح دهد، ترجمه (يَذْهَبُ و يُرِيدُ أَنْ يَذْهَبُ)، (يَذْهَبُونَ و يُرِيدُونَ أَنْ يَذْهَبُوا) را از دانش‌آموز می‌پرسد، از او می‌خواهد مضارع التزامی را در فارسی توضیح دهد. تمرینات کتاب، ناظر به اهداف آموزشی مصوب است. در تمرین‌های کتاب هماهنگی با بخش قواعد وجود دارد و صرفاً تشخیص این افعال و ترجمه آنها مدنظر است. وقت دو ساعت درس عربی در برنامه هفتگی محدود است و تدریس برخی مفاهیم صرف و نحو موجب می‌شود مسائل مهم‌تری مانند روان‌خوانی، سخن گفتن و کاربرد واژگان تحت الشعاع واقع شود.

۸ متن درس ششم، درباره شادروان دکتر بانو آنه ماری شیمل است. شخصیتی جهانی که در شناساندن فرهنگ و ادبیات فارسی و نیز عربی به جهانیان نقشی شگفت‌انگیز داشته است. در کتاب درسی دهم، تصویری از این بزرگ بانو آمده بود.

قواعد درس درباره معانی حروف «كَمْ، لِي و لا» است. هدف این است که دانش‌آموز،

فعل‌هایی مانند «لَمْ يَسْمَعْ» را در جمله بشناسد، درست بخواند و درست ترجمه کند. آموزش جزم فعل از اهداف نیست. دبیر راجع به جزم فعل مضارع توضیح می‌دهد، اما در امتحان سؤالی در این زمینه طرح نمی‌شود؛ مثلاً این سؤال مردود است:

فعل تُرِيدُونَ را با حرف لَمْ مجزوم کنید.

۹ متن درس هفتم، درباره تأثیر زبان فارسی در عربی است. موضوعی که برای بیشتر دانش‌آموزان و دبیران جالب بوده است و در نظرسنجی‌ها خواستار چنین متنی در کتاب درسی بودند. از بخش «للمطالعة» سؤال امتحانی طرح نمی‌شود. کتاب‌های بسیاری درباره معرّبات فارسی نگاشته شده است، از آن جمله:

مُعْجَمُ الْمُعْرَبَاتِ الْفَارِسِيَّةِ مُنْذُ بَوَاكِرِ الْعَصْرِ الْحَاضِرِ. مُحَمَّدُ التَّوْنُجِي. مكتبة لبنان ناشرون. ریشه‌یابی واژه‌ها در قرآن. جلال‌الدین السیوطی (برگردان محمدجعفر اسلامی). شرکت سهامی انتشار.

واژه‌های دخیل در قرآن مجید. آرتور جفری (برگردان فریدون بدره‌ای). توس.

المُهَدَّبُ فِي مَا وَقَعَ فِي الْقُرْآنِ مِنَ الْمُعْرَبِ. جلال‌الدین السیوطی. مكتبة مشكاة الإسلامية.

قواعد درس هفتم، کاربرد فعل‌های ربطی «كَانَ، صَارَ، لَيْسَ، أَصْبَحَ» در زبان عربی است. دانش‌آموز با معانی مختلف این فعل‌ها آشنا می‌شود. در این میان، فعل كَانٌ بسیار مهم‌تر از بقیه فعل‌هاست به همین دلیل در بارم‌بندی نیز تأکید شده است که از این فعل، بیشتر سؤال طرح شود. دانش‌آموز با معانی مختلف این فعل‌ها به ویژه فعل كَانٌ آشنا می‌شود:

■ كَانَ الطَّرِيقُ مُغْلَقًا. راه بسته بود.

■ ﴿إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا﴾ الْأَحْزَابُ: (۲۴) بی‌گمان خدا آمرزنده و مهربان است.

■ كَانٌ به عنوان «فعل کمکی سازنده معادل ماضی استمراری»؛ مثال: كانوا يَسْمَعُونَ:

می‌شنیدند.

■ كَانٌ به عنوان «فعل کمکی سازنده معادل ماضی بعید»؛ مثال: «كَانَ الطَّالِبُ سَمِعَ» و

«كَانَ الطَّالِبُ قَدْ سَمِعَ» به معنای «دانش‌آموز شنیده بود» می‌باشد.

■ «كَانَ» بر سر «لِ» و «عِنْدَ» معادل فارسی «داشت» می‌باشد؛ مثال:
 كَانَ لِي خَاتَمٌ فِضَّةً. انگشتر نقره داشتم. كَانَ عِنْدِي سَرِيرٌ خَشَبِيٌّ. تختی چوبی داشتم.
 مضارع كَانَ «يَكُونُ» به معنای «می‌باشد» و امر آن «كُنْ» به معنای «باش» است.
 دانش‌آموز با معنای صَارَ و أَصْبَحَ به معنای «شد» آشنا می‌شود.
 او باید بداند که مضارع صَارَ «يَصِيرُ» و مضارع أَصْبَحَ «يُصْبِحُ» است.
 همچنین معنای لَيْسَ را بداند.
 می‌توان اشاره کرد که لیس مضارع ندارد.

۱۰ نیاز به ارائه جزوه مکمل قواعد به دانش‌آموز نیست. هرچه لازم بوده در کتاب آمده است، یا سال بعد خواهد آمد. دستور زبان عربی وسعت بسیار دارد. اگر قرار باشد همه دستور زبان را در کتابی قرار داد یقیناً بیش از هزار صفحه خواهد شد. دانش‌آموز دبیرستان، مختصری از قواعد لازم را می‌خواند و در صورت علاقه‌مندی در دانشگاه آنچه را لازم است خواهد خواند.

۱۱ تحلیل صرفی و اعراب، تعریب و تشکیل و اعراب‌گذاری از اهداف کتاب درسی نیست. کل کتاب درسی اعراب‌گذاری شده است، تا دانش‌آموز در درست‌خوانی دچار مشکل نشود. شایسته است طراحان آزمون، متون و عبارات امتحانی را کاملاً حرکت‌گذاری کنند. زمان محدود دو ساعت در هفته برنامه‌ریزان را بر آن داشت تا فقط مطالب مهم در کتاب گنجانده شود.

۱۲ آموزش فعل و ضمیر در کتاب‌های دوره اول متوسطه بومی‌سازی شده و بر اساس «من، تو، او، ما، شما، ایشان» است. سبک پیشین این‌گونه بود: «هُوَ، هُمَا، هُمْ، هِيَ، هُمَا، هُنَّ، أَنْتِ، أَنْتُمْ، أَنْتِ، أَنْتُمْ، أَنْتِ، أَنْتُمْ، أَنْتِ، أَنْتُمْ، أَنْتِ، أَنْتُمْ، أَنْتِ، أَنْتُمْ». اما هدف این نیست که دانش‌آموزان این افعال و ضمائر را طوطی‌وار حفظ کنند.

شیوه نوین در تدریس آزمایشی کاملاً موفق بود و دانش‌آموزان درس را بهتر آموختند. به همین دلیل این شیوه در کتاب‌های درسی عربی عمومیّت یافت.

۱۳ تبدیل «مذکر به مؤنث» یا «مخاطب به غیر مخاطب» یا «جمع به غیر جمع» و موارد مشابه از اهداف کتاب نیست. دانش‌آموز باید هر جمله را در ساخت‌های مختلف درست بشناسد و درست ترجمه کند.

۱۴ معنای کلمات در امتحان داخل جمله خواسته می‌شود. در چند تمرین کتاب درسی معنای کلمه بیرون از جمله است؛ اما شیوه طرح آن همراه با یک نمونه جهت تسهیل آموزش و ارزشیابی است. شیوه سابق که کلمه بیرون از جمله خواسته می‌شد خوشبختانه به تدریج دارد منسوخ می‌شود.

۱۵ روخوانی‌های دانش‌آموز و فعالیت‌های او در بخش مکالمه در طول سال نمره شفاهی دانش‌آموز را تشکیل می‌دهد. برگزاری امتحان شفاهی در یک روز امکان ندارد، مگر اینکه کلاس کم جمعیت باشد. روخوانی در کتاب‌های عربی اهمیت ویژه‌ای دارد. دانش‌آموز باید بتواند درست بخواند، تا درست ترجمه کند. از آنجاکه یکی از مهارت‌های چهارگانه زبانی «خواندن» است؛ لذا این بخش باید تقویت شود. دانش‌آموزی می‌تواند معنای عبارت را بفهمد که درست بخواند. آهنگ بیان جمله‌های خبری، تعجیبی، پرسشی و امری با هم فرق دارد. روان خوانی اوج هنر دانش‌آموز در درس عربی است که در سایه تسلط نسبی او به زبان به دست می‌آید.

۱۶ در کتاب جای کافی برای نوشتن ترجمه و حل تمرین در نظر گرفته شده است، تا به دفتر تمرین نیازی نباشد. تنها متن درس است که جا ندارد و با نهادن یک برگه در کتاب، مشکل حل می‌شود. دیده شده است که متأسفانه برخی همکاران از دانش‌آموزان می‌خواهند کل کتاب را در دفتر منتقل کنند. این کار واقعاً آزار دهنده است و نه تنها سودی ندارد، بلکه موجب نفرت دانش‌آموز می‌شود. در میان مهارت‌های چهارگانه زبانی مهارت نوشتن در کتاب درسی، چندان پررنگ دیده نشده است؛ زیرا الفبای ما عربی است و جز در چند حرف آن هم به شکلی ناچیز و کم اهمیت تفاوتی وجود ندارد.

۱۷ از همکاران ارجمند درخواست داریم تا با رویکرد دفتر تألیف همگام شوند؛ شش کتاب

درسی عربی مجموعه‌ای یکپارچه‌اند و آموزش برخلاف اهداف درسی به روند آموزش آسیب می‌رساند. هرچه دانش‌آموز برای فهم متن نیاز دارد در کتاب درسی آمده است.

۱۸ دانش‌آموزان با هر دو فعل مجرد و مزید در کتاب درسی درون متن و عبارت آشنا شده‌اند؛ هرچند در تمرینات فقط با صرف فعل‌های ثلاثی مجرد صحیح و سالم روبه‌رو شده‌اند؛ اما فعل‌های مزید و حتی فعل‌های مهموز، مضاعف و معتل نیز در کتاب به کار رفته است؛ مانند اَمَّنَ، اِتَّقَى، اَتَى، اَجَابَ، أَحَبَّ، اِحْتَرَقَ، اِشْتَرَى، اَصَابَ، اَعْطَى، جَرَى، حَاوَلَ، عَلَّمَ، دَارَ، سَمَّى و ... در کتاب یازدهم بدون ذکر اصطلاحات ثلاثی مجرد و مزید این فعل‌ها بازآموزی شده‌اند. دانش‌آموز قبلاً با شناسه‌های فعل‌های ثلاثی مجرد آشنا شده است. در حقیقت هدف آموزشی کتاب این است که دانش‌آموز با فعل‌هایی آشنا شود که «ماضی سوم شخص مفرد» آنها بیش از سه حرف است. نیازی به ذکر اصطلاحات ثلاثی مجرد و مزید نیست و تشخیص ثلاثی مجرد و مزید و ذکر نوع باب آن از اهداف آموزشی نمی‌باشد. فعل‌های معتل، مهموز، مضاعف و هرگونه فعلی که تغییرات پیچیده صرفی دارد از اهداف کتاب نیست؛ مثلاً در کتاب، فعل اِسْتَشَارَ به کار رفته و فعل استفعال نیز آموزش داده شده است؛ اما نباید از فعل اِسْتَشِيرُ سؤال طرح شود؛ ولی اگر معنای اِسْتَشَارَتُ را بخواهیم اشکالی ندارد؛ چون تغییراتی در مقایسه با اِسْتَشَارَ ندارد. منظور از تغییرات پیچیده مواردی مانند حذف حرف عله، ادغام و فک ادغام، املای همزه و هرگونه قاعده‌ای است که مربوط به فعل‌های غیرصحیح و سالم می‌باشد. اینکه دانش‌آموز بتواند تشخیص دهد که فعل تَدْخُلُ ثلاثی مجرد و فعل تَدْخُلُ ثلاثی مزید است، کمکی به او در فهم متن نمی‌کند و تنها راه برای معناسازی در ارزشیابی‌ها باز می‌شود. با توجه به زمان محدود به جای اینکه وقت معلم صرف تشخیص مزید از مجرد شود، بهتر است صرف معنای افعال شود. در اینجا ترجیح آموزشی این است که دانش‌آموز معنا را یاد بگیرد و بهتر است دبیر گرامی وقت خود را در این زمینه صرف کند. از سوی دیگر معنای فعل در آزمون‌ها همان‌گونه که در بارم‌بندی نیز ذکر شده است، باید با استفاده از فعل‌های آسانی مانند دَخَلَ، خَرَجَ، صَبَرَ، عَبَرَ، كَتَبَ، جَلَسَ و مانند اینها باشد و

قرائنی مانند ضمیر و اسم اشاره نیز به کمک بیایند. آنچه باید سرلوحه کار خود قرار دهیم این است که ما می‌خواهیم دانش آموز یاد بگیرد و از یاد گرفتنش لذت ببرد. برخی دبیران به تقلید از کنکور و مسابقات، پرسش‌هایی مطرح می‌کنند که نه تنها مفید نیست، بلکه مضر نیز می‌باشد. معانی ابواب واقعاً آن‌طور که گروهی تصور می‌کنند قطعی و غالب نیستند، بلکه از معروف‌ترین و پرکاربردترین آنها هستند. به همین دلیل، در کتاب ذکر نشده‌اند. معمولاً معنای تعدیه (تبدیل فعل لازم به متعدی) را برای باب افعال ذکر می‌کنند؛ ولی مثال‌های بسیاری هستند که این‌گونه نیستند. این در حالی است که معنای باب افعال قاعده‌مندتر از سایر ابواب است؛ مانند اَفْلَحَ: رستگار شد، اَسْرَعَ: شتافت، اَسْلَمَ: مسلمان شد، اَصْبَحَ: شد، اَكْبَرَ: بزرگ یافت، اَبَاعَ: برای فروش نهاد.

در بسیاری از فعل‌های باب استفعال اغلب معنای درخواست وجود ندارد.

۱۹ در طراحي سؤال درک مطلب در کنکور و در آزمون‌های مدرسه از متون کتاب استفاده می‌شود؛ در صورتی که متنی غیر از کتاب درسی طرح می‌شود، باید واژه‌ای خارج از واژگان انتهای کتاب نداشته باشد، یا اینکه ترجمه فارسی آنها ارائه شود. طرح سؤال درک مطلب، کار بسیار سختی است. شاید در نگاه اول کاری بسیار ساده باشد، اما در حقیقت به نوعی سهل و ممتنع است. طراحي متنی که واژگان و ساختار آن بر اساس آموخته‌های دانش‌آموز باشد و قابلیت طرح سؤال با کلماتی مانند متی، کیف، هل، ا، این، لماذا، لمن، من، ممن، بم و... داشته باشد، کاری دشوار است. البته پاسخ دادن برای دانش‌آموز آسان است.

۲۰ صورت سؤال به زبان عربی است؛ اما شایسته نیست واژگانی در آن باشد که دانش‌آموز نخوانده باشد.

۲۱ پژوهش‌های انتهای هر درس، نمایش، سرود، ترجمه تصویری و داستان‌نویسی کار عملی در درس عربی محسوب می‌شود. مدرسی که وقت اضافه دارند، یا دانش‌آموزان خاص ثبت نام کرده‌اند، یا تعداد دانش‌آموزانشان کم است، می‌توانند به عنوان فوق برنامه در چنین زمینه‌هایی دانش‌آموز را فعال کنند. نمره این بخش را در نوبت اول یا مستمر می‌توان تأثیر داد.

۲۲ در هر آزمونی مترادف و متضاد در محدوده تمرینات سه کتاب متوسطه اول و کتاب حاضر است.

۲۳ هدف از بخش «بدانیم» کمک به فهم متن و عبارت است. دانش آموز این دو بخش را می آموزد تا به این وسیله درست بخواند، بشنود، بفهمد و ترجمه کند. در واقع، قواعد در خدمت فهم عبارت و متن است.

۲۴ از دانش آموز بخواهیم بخش سخنی با دانش آموز را بخواند.

۲۵ درحالی که می توان از دانش آموزان خواست تا داستان های کوتاه ترجمه کنند. سرود و نمایش اجرا کنند. می توان عبارات ساده و کوتاه مانند سخنان حکمت آمیز و ابتهامات و مطالب علمی کوتاه ترجمه کرد. فضا برای کارهای شاد مناسب است، ولی قاعده زدگی تدریس عربی همگان را جذب گرامر کرده است. حقیقت این است که آموزش قواعد در هر زبانی کاری ساده است، ولی تدریس متن محور کاری دشوار است. ارزشیابی از مطالب صرفی و نحوی آسان، ولی ارزشیابی از قرائت و مکالمه بسیار سخت است.

۲۶ سیاست تألیف در تمامی بخش های کتاب مبنی بر ساده سازی و جذابیت است؛ لذا بزرگ ترین مسئولیت معلّم این است که با هنرمندی، کتاب را به ساده ترین روش به دانش آموز تدریس کند. هنر معلّم، علاقه مند کردن دانش آموز نسبت به درس عربی است؛ لذا در امتحانات از طراحی سوالات معماگونه خودداری می کنیم. آزمون های مدارس خاص و آزمون های طراحی شده توسط مؤسسات خصوصی، زمینه انحراف از مسیر آموزش را فراهم می سازند. اگر تدریس درس عربی و سایر دروس ساده بوده و پیچیدگی نداشته باشد؛ برخی سودجویان متضرر می گردند. آشفته گی وضعیت آموزش و سختی تمرینات و سوالات امتحانی، زمینه را برای بهره برداری برخی سودجویان فراهم و دانش آموزان را نیز از درس عربی گریزان می سازد. ۲۷ تعریب از اهداف کتاب درسی نیست؛ دانش آموز باید بتواند جمله عربی را بخواند و

ترجمه کند و البته قدرت تشخیص درست از نادرست را نیز داشته باشد. در نتیجه در این دو پایه، از او «ساختن جمله عربی» نمی‌خواهند.

(در بخش مکالمه، یعنی پاسخگویی به کلمات پرسشی این استثنا وجود دارد؛ زیرا در مکالمه باید بتواند پاسخ کوتاه بدهد که انتظار در حد یک یا دو کلمه ساده است و نظر به لزوم سرعت عمل در پاسخ‌دهی به سؤال شفاهی، رعایت ظرافت‌های دشوار و فنی زبان فعلاً لازم نیست).

۲۸ در پاسخگویی به جمله استفهامی باید به پاسخ کوتاه بسنده شود. پاسخ کامل مد نظر نیست. هرچند اگر دانش‌آموز پاسخ بلند بدهد بهتر است. برای نمونه، در پاسخ به چنین سؤالی «لِمَاذَا تَدْرُسُ؟» پاسخ «لِلنَّجَاحِ فِي الْحَيَاةِ.» کافی است و نمره کامل تعلق می‌گیرد. به عبارت دیگر، لازم نیست چنین پاسخ داده شود: «أَنَا أَدْرُسُ لِلنَّجَاحِ فِي الْحَيَاةِ.» از آنجاکه در رویکرد برنامه درسی عربی، پرورش مهارت‌های زبانی آمده و سخن‌گفتن نیز یکی از این موارد است؛ لذا بخش «اسماء و حروف استفهام» استثنا شده است.

پیشنهاد می‌شود دبیر محترم برای امتحان مکالمه یک آلبوم عکس در کاور یا سلیفون تهیه کند و در آن، تصاویر لازم را در اندازه‌های بزرگ داشته باشد، یا در صورتی که در مدرسه هوشمند تدریس می‌کند فایل تصاویر مورد نیازش را از قبل تهیه کند. همچنین می‌توان بخشی از نمره مکالمه را به معرفی دانش‌آموز از خودش اختصاص داد، تا دانش‌آموز بتواند در یک دقیقه خودش را به زبان عربی معرفی کند. همچنین نمره شفاهی دانش‌آموزانی که داوطلب اجرای سرود، یا نمایش یا مکالمه گروهی در کلاس می‌شوند را می‌توان از همین مورد منظور کرد.

۲۹ تجربه نشان داده است بیشتر کتاب‌های کار، زمینه انحراف از مسیر صحیح آموزش و دورافتادن از اهداف آموزشی و آسیب رساندن به روند آموزش را فراهم می‌کنند. نداشتن

کتاب کار بهتر از داشتن کتاب کاری نامناسب است. اگر معلّمی کتاب کار تهیه کرد؛ تأکید می‌کنیم که کلاس درس جای پرداختن به آن نیست و حلّ تمرینات آن در منزل باید صورت بگیرد. زمان اختصاص یافته به درس عربی (دو ساعت در هفته) برای تدریس این کتاب و حلّ تمرین‌های آن است؛ لذا اگر وقت اضافی داشت می‌تواند تمرینات کتاب کار را نیز حل کند، در غیر این صورت، کتاب درسی نباید لطمه ببیند. گروه‌های آموزشی در این زمینه باید نقش فعّال و ارشادی داشته باشند.

۳۰ پس از هر متن، واژگان جدید قرار دارد. هدف از این کار ساده‌سازی آموزش است. هدف این نیست که دانش‌آموز قبل از شروع درس این واژه‌ها را حفظ کند. حفظ واژه‌ها باید در طّی خواندن متون و عبارات اتّفاق بیفتد.

۳۱ مبنای گزینش آیات، احادیث و امثال به کار رفته در کتاب چند مورد بوده است: سادگی الفاظ؛ سادگی ساختار و مطابقت آن با آموزش کتاب درسی؛ کاربری بر اساس نیازهای روز؛ تناسب با سطح درک و فهم دانش‌آموز. دانش‌آموز باید بتواند در زندگی به هنگام نیاز، به امثال و حکم خوانده شده استشهاد کند؛ مثلاً درباره «احترام به محیط زیست» به این حدیث شریف از حضرت علی علیه السلام استشهاد کند: «إنکم مسؤولون حتّی عن البقاع و البهائم». این هدف تا پایان کتاب درسی، از اهداف اصلی کتاب است. اما نباید با اجبار دانش‌آموزان را وادار به حفظ این عبارات نمود، بلکه شایسته است با تغییر نگرش، ایجاد علاقه و با هنر معلّمی، دانش‌آموزان را علاقه‌مند نمود تا این عبارات را حفظ کند و در هنگام لزوم از آنها استفاده کنند. سخنان بزرگان و امثال و حکم به گونه‌ای هستند که سرشت پاک، مایل است آنها را بیاموزد و به آنها استشهاد کند.

۳۲ در گزینش تصاویر، این اصول رعایت شده است: برنامه درسی ملّی، مسائل فرهنگی و تربیتی، دوری از تنش‌آفرینی، توجّه به امور مهمّی مانند ارزش‌های دینی، احترام به

محیط‌زیست، میهن‌دوستی، به‌روز بودن تصاویر، ایجاد جذابیت در کتاب، شاد بودن موضوعات، علمی بودن آنها، زیبایی تصاویر.

۳۳ دانش‌آموزان بسیاری از آموخته‌ها را بعد از دانش‌آموختگی از یاد خواهند برد، ولی خاطرات تلخ و شیرین ماندگارند. آنچه در تدریس بسیار مهم است برخوردهای درست، دلسوزانه و عالمانه است. مهم این است که پس از فراغت از تحصیل، خاطرات شیرینی از کتاب، معلّم و مدرسه به جای بماند.

الگوی پیشنهادی جهت تدریس قسمت‌های هشت‌گانه هر درس

کتاب عربی یازدهم، هفت درس دارد و هر درس از هشت بخش تشکیل شده که برای هر یک روشی متناسب با اهداف کتاب و برنامه درسی پیشنهاد شده است تا دبیر بهتر بتواند به اهداف آموزشی برسد. بی‌گمان دبیران محترم نیز روش‌هایی برای خود دارند، ولی این روش‌ها باید از وحدت رویه برخوردار باشند. هدف کتاب معلّم که پل ارتباط بین مؤلف و معلّم است؛ تعیین چارچوبی است که هم اهداف برنامه درسی ملی محوریت داشته باشد و هم معلّم بتواند در آن، توانمندی‌های فردی خود را به نمایش بگذارد.

ساختار درس‌ها در کل کتاب درسی پایه یازدهم

قسمت‌های هشت‌گانه کتاب عربی، زبان قرآن:

۱ صفحه ورود به درس

۲ متن درس

۳ واژگان جدید متن درس

۴ درک مطلب

۵ قواعد درس تحت عنوان «اعلموا»

۶ مکالمه (در برخی دروس)

۷ تمرینات

۸ پژوهش (البحث العلمی) در برخی درس‌ها

تحلیل قسمت‌های هشت‌گانه هر درس

هدف برنامه درسی از بخش‌های مذکور، بررسی دقیق ابعاد مختلف محتوا، معرفی قواعد،

ارائه توضیحات جهت رفع ابهامات و پیشنهاد روش‌هایی است که معلّم به یاری آن بتواند با تسلّط و آگاهی بیشتر به امر تدریس بپردازد. کتاب در این قسمت، معلّم را با مراحل مختلف تدریس، مهارت‌های موردنظر و چگونگی اجرای آن آشنا می‌کند و الگویی را برای تدریس کلیّه دروس و بخش‌ها در اختیارش قرار می‌دهد؛ تا آموزش را برای وی تسهیل نماید.

۱ صفحه ورود به درس:

یک صفحه مستقل مزین به آیه‌ای از قرآن مجید یا حدیثی از معصومین علیهم‌السلام همراه با تصویری زیبا برای ورود به درس، به لحاظ روانی دانش‌آموز را برای ورود به درس آماده می‌سازد. تصاویر و نوشته‌های صفحه ورودی به گونه‌ای هستند که با استفاده از آن می‌توان آمادگی خوبی را ایجاد کرد.

۲ متون:

در بخش قرائت و ترجمه متن نیز باید سهم مشارکت معلّم و دانش‌آموز مشخص شود و اینکه هر یک از معلّم و دانش‌آموز چه وظیفه‌ای دارند. روش‌های مختلفی را برای این بخش می‌توان به کار برد. یکی از بهترین روش‌ها این است که به فرض به دانش‌آموزان نیم ساعت وقت بدهیم تا خودشان متن را ترجمه کنند و این کار را به صورت گروهی انجام دهند و در پایان، دبیر برگه‌های ترجمه را جمع‌آوری کند و فقط یک برگه را تصحیح کند. او می‌تواند عکسی از برگه ترجمه بگیرد و برگه دانش‌آموز را پس دهد. سپس در کلاس ترجمه درست را سریع بگوید. اگر کلاس درس سی نفر دانش‌آموز داشته باشد و هر گروه پنج نفر باشد در مجموع، شش برگه تصحیح می‌شود. لازم نیست که تصحیح از بیست نمره باشد. ارزشیابی توصیفی در چنین مواردی بهتر است. نمره آن یک نفر، نشانگر نمره گروه است. حتماً نباید برگه سرگروه تصحیح شود.

۱ مرحله اول (شنیدن):

اولین وظیفه بر عهده معلّم است که با روان‌خوانی، مهارت شنیداری دانش‌آموزان را تقویت کند.

در این بخش، استفاده از کتاب گویا تأکید می‌گردد. اگر وقت معلّم کم است از دانش‌آموزان بخواهد در منزل کتاب گویا را گوش دهند.

۲ مرحله دوم (خواندن):

دانش‌آموزان بر اساس روشی که معلّم پیشنهاد می‌دهد؛ به قرائت می‌پردازند تا مهارت گفتاری تقویت گردد. هر بار که یک دانش‌آموز قرائت می‌کند معلّم به او نمره روخوانی می‌دهد.

۳ مرحله سوم (ترجمه مقدماتی):

دانش‌آموزان با کمک گرفتن از ترجمه واژگان انتهای متن درس، به ترجمه هر عبارت می‌پردازند و توانمندی خود را در ترجمه می‌آزمایند؛ تا نقاط ضعف و قوت آنان مشخص شود و مهارت درک و فهم آنها ارتقا یابد.

چند روش در اینجا وجود دارد:

از دانش‌آموزی می‌خواهیم یک یا دو سطر را ترجمه کند، سپس ما بر ترجمه او نظارت می‌کنیم؛ یک دانش‌آموز را مأمور می‌کنیم که اگر اشکالی در ترجمه هم‌کلاسی‌اش وجود داشت آن را اصلاح کند، یا اینکه می‌گوییم همه دانش‌آموزان هنگام ترجمه دانش‌آموز پاسخ‌دهنده، باید آماده باشند و معلّم تصادفاً از یکی از دانش‌آموزان اشکالات احتمالی ترجمه را بپرسد. هر یک از این شیوه‌ها در جای خود سودمندند. گاهی دبیر در صورت کمبود وقت می‌تواند خودش بخواند و خودش نیز ترجمه کند. روشی که در وهله نخست شاید به نظر بیاید که نامناسب است و دانش‌آموز فعال نیست، ولی از روی ناچاری و به دلیل تعطیلی‌های اضطراری، یا هر علت دیگری که پیش آمده، ضرورت دارد. اصولاً روش تدریس به عوامل بسیاری بستگی دارد. در این روش، معلّم باید هر چند لحظه یک بار ترجمه برخی قسمت‌ها را از یک دانش‌آموز بپرسد. در این شیوه، تدریس سریع‌تر انجام می‌شود.

در مدارسی که امکانات مناسبی دارند می‌توان ترجمه متن درس را در برگه‌ای به صورت ناقص نوشت و تکثیر کرد و از دانش‌آموزان بخواهیم در گروه‌های چند نفره ترجمه ناقص را

کامل کنند. این روش فوق العاده سریع انجام می‌شود، ولی لازمه آن زحمت برای دبیر و کادر مدرسه برای تکثیر کاربرگ است.

۴ مرحله چهارم (ترجمه نهایی):

معلم در ادامه روش مقدماتی به عنوان راهنما، خطاهای ترجمه را اصلاح می‌کند و ترجمه نهایی را ارائه می‌دهد. در حقیقت مرحله مقدماتی و نهایی بدون فاصله‌اند.

۵ مرحله پنجم (پیام درس):

در این مرحله، معلم از دانش‌آموزان می‌خواهد تا پیام درس را بگویند. برای پیوند میان ادبیات فارسی و عربی می‌توان از آنان خواست تا پیام درس را با جمله‌ای نغز در زبان فارسی بیان کنند، یا برای پیوند میان درس قرآن و معارف اسلامی می‌توان از آنان خواست تا اگر آیه یا حدیثی در این مورد می‌دانند؛ ذکر کنند. این بخش برای دانش‌آموز لذت بخش است و پیوند مناسبی میان ادبیات فارسی و عربی ایجاد می‌شود.

خلاصه مراحل ترجمه

مراحل ترجمه	هدف	نقش دانش‌آموز	نقش معلم
مرحله اول	تقویت مهارت شنیدن	شنیدن	روان خوانی
مرحله دوم	تقویت مهارت خواندن	خواندن	نظارت و راهنمایی
مرحله سوم	تقویت مهارت ترجمه	ترجمه عبارات (مقدماتی)	نظارت و راهنمایی
مرحله چهارم	تقویت مهارت درک و فهم	ترجمه عبارات (نهایی)	تصحیح و تکمیل
مرحله پنجم	تقویت مهارت کاربرد (بیان مصداقی از کاربرد عبارت یا پیام درس)	مصداقیابی	تصحیح و تکمیل

۳ واژگان:

دلیل قراردادن معجم، پس از متن این است که دانش‌آموز به راحتی و سرعت بیشتری در فرایند ترجمه، فعال باشد؛ معلّم دانش‌آموز را در ترجمه مشارکت می‌دهد؛ تا توانایی ترجمه را در او بپروراند و این امر در راستای فعالیت و مشارکت دانش‌آموز در فرایند یادگیری قرار دارد. این بخش تقریباً در پنج دقیقه تدریس می‌شود. هدف این نیست که در همان آغاز، دانش‌آموز همه کلمات جدید را یاد بگیرد؛ بلکه هدف این است که با آنها آشنا شود. برخی از همکاران چنین پنداشته‌اند هدف این است که همان اول کار، از دانش‌آموز بخواهیم تا در چند دقیقه معنای لغت‌ها را حفظ کند؛ این کار بی‌گمان نادرست است. می‌توان در صورت داشتن زمان مناسب واژه‌پژوهی کرد؛ مثلاً ارتباط کلمات را از نظر مراعات نظیر، متضاد یا مترادف و هم‌خانواده برخی کلمات دید. از دانش‌آموز می‌پرسیم متضاد، یا مترادف فلان کلمه چیست؟ کدام کلمات در المعجم با هم ارتباط معنایی دارند؟ در انجام این کار نباید زیاده‌روی کرد چون زمان کلاس از دست می‌رود.

در طرّاحی آزمون از بخش کاربرد واژگان می‌توان از تشخیص کلمه ناهماهنگ، مترادف و متضاد^۱ استفاده کرد.

مراحل آموزش واژگان:

۱ دبير می‌تواند در آغاز از کتاب گویا استفاده کند. دانش‌آموزان تلفّظ درست درس را گوش می‌دهند.

۲ سپس معلّم می‌خواند و دانش‌آموزان تکرار می‌کنند. این قرائت می‌تواند به تشخیص معلّم به همراه او و شامل گروهی از دانش‌آموزان باشد، یا به صورت انفرادی.

۱. دربارهٔ ترادف در زبان عربی از دیرباز میان دانشمندان اختلاف وجود داشته است؛ برخی برای اسب و شمشیر و مانند آن اسم‌های بسیاری را برشمرده‌اند و برخی از میان آنها تنها یکی را اسم و بقیه را صفت دانسته‌اند.

«سیبویه» می‌گوید: در کلام عرب گاهی دو لفظ گوناگون برای دو معنای مختلف و گاهی دو لفظ مختلف را برای یک معنا می‌آورند که برای مورد اخیر، فعل «ذَهَبَ» و «انطَلَقَ» را مثال می‌زند.

از دیدگاه «سیوطی» دلیل اصلی پیدایش مترادف در یک زبان این است که دو طایفه برای یک معنا دو واژه را به کار برده‌اند، پس از اینکه طایفه‌ها یکی شده‌اند، این دو کلمه مترادف گشته‌اند.

اما ابن سکیت معتقد است که برخی واژه‌ها با اینکه تقریب معنایی دارند اما حالت‌های دقیق خاص خودشان را بیان می‌کنند؛ مثلاً در مورد فعل «گزیدن»

العَضُّ: بالأَسنانِ لا بالشفتينِ / النَّهْسُ : المَدُّ بالفمِ / النَّهْشُ : العَضُّ السريعِ / العَجْمُ : العَضُّ بالأسنانِ لِتَنْظُرَ أَمْ صَلْبٌ هُوَ أَمْ خَوَار

یا در مورد لانه:

العُشُّ: الَّذِي يَجْمَعُهُ الطَّائِرُ مِنَ الْعِيدَانِ وَ غَيْرِهَا فَيَبْيِضُ فِيهِ. / الْوَكْرُ : فِي الْجَبَلِ / الْوَكْنَةُ : مَوَاقِعُ الطَّيْرِ حَيْثُمَا وَقَعَ وَ دربارهٔ جدا کردن واژه‌ها از هم و ارائه شیوهٔ درست به کارگیری آن دربارهٔ فرق «راکب» و «فارس» می‌گوید:

«يُقَالُ: مَرَّ بِنَا رَاكِبٌ، إِذَا كَانَ عَلَى بَعِيرٍ، وَ الرِّكْبُ أَصْحَابُ الْإِبِلِ. أَمَا إِذَا كَانَ عَلَى حِمَارٍ أَوْ بَغْلٍ أَوْ فَرَسٍ يُقَالُ: مَرَّ بِنَا فَارِسٌ عَلَى حِمَارٍ أَوْ بَغْلٍ أَوْ...»

اما ابومنصور ثعالبی در کتاب «فقه اللغة» به معنای دقیق کلمات اشاره می‌کند و از به کاربردن هر کلام به جای دیگری برحذر می‌دارد؛ مثلاً در مورد خواب و ترتیب آن چنین می‌گوید:

أَوَّلُ النُّومِ: التُّعَاسُ / الْكَرَى: هُوَ أَنْ يَكُونَ الْإِنْسَانُ بَيْنَ النَّائِمِ وَ الْيَقْظَانِ / الرَّقَادُ: هُوَ النَّوْمُ الطَّوِيلُ.

و گاهی اوصاف یک اسم به‌عنوان مترادف به‌کار می‌رود که در اصل، حالت‌های گوناگون آن اسم است.

۴ قسمت سوم: قواعد

تصاویر

تصاویر زیبای کتاب، دربرگیرنده پیام‌های گوناگونی است و در راستای تقویت هویت ایرانی - اسلامی و با دقت فراوان گزینش شده‌اند. گاهی حساسیت تصاویر در نقد و بررسی‌ها بیشتر از متن می‌گردد.

رسالت مهم تصاویر

۱ پیام‌های ارزشی این تصاویر، موجب تقویت هویت اسلامی - ایرانی می‌شود.

۲ جذابیت این تصاویر، انتقال مفاهیم درس را تسریع و تسهیل می‌کند.

شاعر گرانمایه ایرانی مولوی در این باره می‌گوید:

آنچه یک دیدن کند ادراک آن * سال‌ها نتوان نمودن با بیان

اجرا: نخست روخوانی توسط دانش‌آموزان جهت تقویت مهارت شنیداری و گفتاری انجام می‌گیرد. آنگاه ترجمه هر جمله بیان می‌شود که بهتر است معلم در این مرحله، نقش ارشادی داشته باشد؛ تا بتواند با ظرافت، پیوندی قوی بین سه قسمت واژگان، متن و قواعد ایجاد کند.

«اعلموا»

در این قسمت، ساختار و چارچوب قواعد هر درس بیان شده است. باید توجه کرد که توضیحات این بخش تا پایان کتاب، برای فهم بهتر عبارت و متن است. هدف این است که دانش‌آموز بتواند از این اطلاعات در فهم معنای جمله بهره‌بردار؛ لذا حفظ مطالب این بخش الزامی نیست و نیازی نیز به گسترش آن نیست.

حفظ مطالب بخش «اعلموا» الزامی نیست؛ همچنین نیازی به ارائه جزوه مکمل نیست.

اجرا: معلم در این قسمت دانش‌آموزان را در قرائت، توضیح مثال‌ها و شرح تصاویر به مشارکت می‌گیرد. معلم قواعد به عنوان ابزاری برای رسیدن به مهارت ترجمه و درک و فهم است، نه هدف اصلی و علت نام‌گذاری این بخش به «بدانیم» در واقع کم‌رنگ کردن نقش قواعد و پررنگ کردن جایگاه ترجمه و درک و فهم است؛ لذا معلم محترم نیز باید در

بیان قواعد به آنچه در کتاب آمده است بسنده کند و از بیان توضیحات خارج از کتاب و جزوه دادن، خودداری کند.

در این بخش، دانش‌آموزان تعامل بیشتری دارند خودشان می‌خوانند و خودشان هم به سؤالات پاسخ می‌دهند و معلّم می‌تواند نقش راهنما و مصحح داشته باشد. در این صورت، یادگیری عمیق می‌شود.

تمارین

هدف اصلی در این قسمت، تثبیت یادگیری در سه حوزه واژگان، قواعد و ترجمه است و در راستای اصل تلطیف آموزش، تلاش شده است دانش‌آموز از حل آنها لذت ببرد. سعی شده است عباراتی انتخاب شود که حتی الامکان کلمات جدید نداشته، یا کم داشته باشند.

حل تمرین‌ها به عهده دانش‌آموز است. معلّم راهنمایی می‌کند.

جای کافی برای حل تمرین پیش‌بینی شده است؛ تا نوشتن مجدد تمرین وقت زیادی را از دانش‌آموز نگیرد. با توجه به اینکه نوشتن عبارات عربی با رعایت اعراب برای دانش‌آموز دشوار است و شاید اشتباهات اعرابی او در نوشته‌هایش به قرائت او نیز منتقل شود؛ لذا بهتر است حل تمرینات در کتاب صورت بگیرد؛ تا چشم دانش‌آموز به املا و اعراب صحیح در کتاب درسی عادت کند و مشکلی در قرائت او نیز پدید نیاید. پیش‌تر اشاره شد که الفبای ما عربی است؛ لذا ضرورتی که در آموزش انگلیسی برای تقویت مهارت نوشتن وجود دارد در آموزش عربی حس نمی‌شود.

قالب کلی تمارین

ردیف	تمرین	قالب و الگوها
۱	واژه	۱- معنای واژه
		۲- واژگان مترادف، متضاد و ناهماهنگ
		۳- شناخت و کاربرد واژگان در جمله
		۴- جدول کلمات متقاطع رمزدار
۲	ترجمه	ترجمه جملات عربی به فارسی شامل: آیه، حدیث، جمله‌های معمولی
۳	قواعد	شناخت و کاربرد قواعد، شامل: شناخت فعل امر، فعل نهی، معادل فعل ماضی استمراری، ترکیب اضافی و وصفی، وزن و حروف اصلی، ساعت خوانی، اسم اشاره به نزدیک و دور، کلمات پرسشی، نفی ماضی و مضارع، مستقبل اعداد، فعل مجهول، مشتقات (اسم فاعل، اسم مفعول، اسم مبالغه)، نون وقایه، جمله اسمیه (مبتدا و خبر)، جمله فعلیه (فعل، فاعل و مفعول به)، جار و مجرور اسم تفضیل، اسم مکان، اسلوب شرط و ادوات آن، معرفه و نکره، ترجمه بعد از اسم نکره، ترجمه شکل‌های مختلف فعل مضارع دارای حروف «أَنَّ، لَنْ، كَيْ، لِكَيْ، حَتَّى» و «لَمْ، لِي، لِ، إِنْ، مَنْ، مَا»، معانی افعال ناقصه با تکیه بر فعل كَان
۴	درک مطلب	۱- پاسخ به سؤالات عربی
		۲- انتخاب گزینه مناسب برای پاسخ به پرسش‌های بخش درک مطلب
۵	پژوهش	ایجاد روحیه پژوهشی در دانش‌آموزان داوطلب

این بخش در ارزشیابی‌ها، معیاری برای طراحی سؤالات امتحانی است و شایسته است معلم از الگوها و قالب‌های موجود بهره‌برد و از طرح سؤالات تعریب و ساختن صیغه‌های مختلف فعل خودداری کند. ساختن اهداف کتاب درسی نیست.

ساختار درس

ساختار آموزشی کتاب عربی دهم عبارت است از:

اعداد یک تا صد، ترجمه فعل مجهول، مشتقات (اسم فاعل، اسم مفعول، اسم مبالغه)، نون وقایه، جمله اسمیه (مبتدا و خبر)، جمله فعلیه (فعل، فاعل و مفعول به) و جار و مجرور.

ساختار آموزشی کتاب عربی یازدهم نیز عبارت است از:

اسم تفضیل، اسم مکان، اسلوب شرط و ادوات آن، معرفه و نکره، ترجمه بعد از اسم نکره، ترجمه شکل‌های مختلف فعل مضارع دارای حروف «أَنْ، لَنْ، كَيْ، لِكَيْ، حَتَّى» و «لَمْ، لِ، لا، إِنْ، مَنْ، ما»، معانی افعال ناقصه با تکیه بر فعل كَانَ.

پژوهش

پژوهش‌های کتاب در حدّ توان دانش‌آموز داوطلب برگزیده شده است. پژوهش در درس عربی بسیار سخت است؛ چون زبان آن فارسی نیست. لذا برخورد معلم در اینجا باید مطابق واقعیت باشد.

نمی‌توان از دانش‌آموز توقع داشت مانند دانشجوی رشته زبان و ادبیات عرب اطلاعات گسترده داشته باشد. هرچند تعداد کمی از دانش‌آموزان برای این کار داوطلب می‌شوند، ولی نمی‌توان به این دلیل کار پژوهشی را در مدارس تعطیل کرد.

واژه‌شناسی

مطالب این بخش، برای طرح در کلاس درس نیست. صرفاً اطلاعاتی برای دبیر است که البته اگر دانش‌آموزی سؤالی بپرسد می‌تواند پاسخ آن را برای آن دانش‌آموز مطرح کند. هدف سهولت دسترسی معلم به پرسش‌های احتمالی دانش‌آموزان است.

بخش چهارم

محتوای کتاب و چگونگی آموزش درس‌ها

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ

اهداف

دانش آموز در پایان این درس باید بتواند:

- ۱ متن «مِنْ آيَاتِ الْأَخْلَاقِ» را درست بخواند و ترجمه کند.
- ۲ معنای کلمات جدید این درس را از عربی به فارسی ذکر کند.
- ۳ شبیه متن مکالمه درس را در کلاس به همراه هم کلاسی‌هایش اجرا کند.
- ۴ شکل‌های مختلف اسم تفضیل را در عربی بشناسد و درست ترجمه کند.
- ۵ اسم مکان را بشناسد و درست ترجمه کند.

فرایند آموزش

متن درس اول هدف اصلی کتاب را تحت پوشش قرار می‌دهد. مطابق برنامه درسی ملی یک هدف مهم درس عربی، فهم بهتر قرآن است. دو آیه ۱۱ و ۱۲ سوره حُجُرَات به همراه تفسیر آن زینت بخش آغاز کتاب درسی است.

هماهنگی در ترجمه متن درس

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِّن قَوْمٍ عَسَىٰ أَن يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِّن نِّسَاءٍ عَسَىٰ أَن يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الْأِسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَن لَّمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، نباید مردمانی مردم دیگر را ریشخند کنند، شاید آنها از خودشان بهتر باشند، و نباید زنانی زنان دیگر را [ریشخند کنند]، شاید آنها از خودشان بهتر باشند، و از یکدیگر عیب‌جویی نکنید، و به همدیگر لقب‌های زشت ندهید. نام زشت پس از ایمان آوردن زشت است و هرکس توبه نکرد آنان خودشان ستمکارند.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ

بَعْضُكُمْ بَعْضًا أَوْ يُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَحِيمٌ ﴿۶۱﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید که برخی گمان‌ها گناه است، و جاسوسی و بدگویی یکدیگر نکنید. آیا کسی از شما دوست می‌دارد که گوشت برادر مرده‌اش را بخورد؟ این کار را ناپسند می‌دارید، و از خدا پروا کنید که خدا بسیار توبه‌پذیر و مهربان است.

ترجمه استاد مهدی فولادوند

۱۱) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، نباید قومی قوم دیگر را ریشخند کند، شاید آنها از اینها بهتر باشند، و نباید زنانی زنان [دیگر] را [ریشخند کنند]، شاید آنها از اینها بهتر باشند، و از یکدیگر عیب مگیرید، و به همدیگر لقب‌های زشت دهید چه ناپسندیده است نام زشت پس از ایمان. و هر که توبه نکرد آنان خود ستمکارند.

۱۲) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید که پاره ای از گمان‌ها گناه است، و جاسوسی مکنید، و بعضی از شما غیبت بعضی نکند؛ آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده‌اش را بخورد؟ از آن کراهت دارید. [پس] از خدا بترسید، که خدا توبه‌پذیر مهربان است.

قَدْ يَكُونُ بَيْنَ النَّاسِ مَنْ هُوَ أَحْسَنُ مِنَّا، فَعَلَيْنَا أَنْ نَبْتَغِدَ عَنِ الْعُجْبِ وَ أَنْ لَا نَذْكَرَ عُيُوبَ الْآخَرِينَ بِكَلَامٍ خَفِيٍّ أَوْ بِإِشَارَةٍ. فَقَدْ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «أَكْبَرُ الْعَيْبِ أَنْ تَعْيِبَ مَا فِيكَ مِثْلَهُ».

گاهی میان مردم کسی هست که از ما بهتر است، پس باید از خودپسندی دوری کنیم و عیب‌های دیگران را با سخنی پوشیده، یا با اشاره ذکر نکنیم. امیر مؤمنان علی علیه السلام فرموده‌اند: بزرگ‌ترین عیب آن است که عیبی بجویی که مانند آن در خودت باشد.

تَنْصَحُنَا الْآيَةُ الْأُولَى وَ تَقُولُ: لَا تَعْيِبُوا الْآخَرِينَ. وَ لَا تَلْقُبُوهُمْ بِالْقَابِ يَكْرَهُنَّهَا. بِئْسَ

الْعَمَلُ الْفُسُوقُ! وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَهُوَ مِنَ الظَّالِمِينَ.

آیه نخست، ما را اندرز می‌دهد و می‌گوید: عیب‌جویی دیگران نکنید و به آنان لقب‌هایی که ناپسند می‌دارند ندهید. آلودگی به گناه بد است و هرکس چنین کند در این صورت از ستمگران است.

إِذَنْ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ تَعَالَى فِي هَاتَيْنِ الْآيَتَيْنِ:

بنابراین، خدای بلندمرتبه در این دو آیه حرام ساخته است:

■ **الْإِسْتِهْزَاءَ بِالْآخَرِينَ، وَ تَسْمِيَتَهُمْ بِالْأَسْمَاءِ الْقَبِيحَةِ.**

ریشخند کردنِ دیگران، و نامیدنِ آنها با اسم‌های زشت.

■ **سَوْءَ الظَّنِّ، وَ هُوَ اتِّهَامُ شَخْصٍ لِشَخْصٍ آخَرَ بِدُونِ دَلِيلٍ مَنْطِقِيٍّ.**

بدگمانی، و آن عبارت است از اتهام زدن کسی به کسی دیگر بدون دلیلی منطقی.

■ **الْتَجَسُّسَ، وَ هُوَ مُحَاوَلَةٌ قَبِيحَةٌ لِكَشْفِ أَسْرَارِ النَّاسِ لِفَضْحِهِمْ وَ هُوَ مِنْ كِبَائِرِ الذُّنُوبِ فِي**

مَكْتَبِنَا وَ مِنَ الْأَخْلَاقِ السَّيِّئَةِ.

جاسوسی، و آن عبارت است از تلاشی زشت برای آشکار ساختن رازهای مردم و برای رسوا

کردنشان که از گناهان بزرگ در آیین ما و از اخلاق بد است.

■ **وَ الْغَيْبَةَ، وَ هِيَ مِنْ أَهَمِّ أَسْبَابِ قَطْعِ التَّوَاصُلِ بَيْنَ النَّاسِ.**

غیبت، و آن از مهم‌ترین دلیل‌های قطع ارتباط میان مردم است.

سَمَّى بَعْضُ الْمُفَسِّرِينَ سُورَةَ الْحُجْرَاتِ الَّتِي جَاءَتْ فِيهَا هَاتَانِ الْآيَتَانِ بِسُورَةِ الْأَخْلَاقِ.

برخی مفسران سوره حُجْرَات را که در آن این دو آیه آمده است سوره اخلاق نامیده‌اند.

پاسخ درک مطلب: غ غ ص ص غ

توضیح درباره کتابخانه گُندی شاپور در اختر نفسک:

در سال ۲۵۰ پ.م کتابخانه گُندی شاپور (یا جندی شاپور) در خوزستان که بزرگ‌ترین

کتابخانه دنیای باستان به شمار آمده است بنیان نهاده شد. این دانشگاه بزرگ‌ترین مرکز

آموزش و پژوهش پزشکی، فلسفه و ادبیات جهان کهن خوانده شده است. در این دانشگاه استادان ایرانی، هندی، یونانی و رومی تدریس می‌کردند. بعد از اینکه اعراب مسلمان ایران را تصرف کردند، به ارزش این کتابخانه پی‌بردند و بر آن شدند که شکوه پیشین آن را نگاه دارند. آنان همه سازمان‌های شهر از جمله بیمارستان، کتابخانه، مدرسه پزشکی و پرستشگاه‌ها را برجا نگاه داشتند.

واژگان

یادگیری واژگان جدید درس در دل متن و عبارت انجام می‌پذیرد. معنای کلمه در آغاز درس و نیز خارج از جمله سؤال نمی‌شود. اگر برای یادگیری بهتر و سرعت در کار تصمیم داریم که معنای کلمه بپرسیم، از نمره دادن خودداری کنیم؛ زیرا معنای کلمه باید در جمله خواسته شود. چنین کاری را می‌توان در قالب یک مسابقه انجام داد. پرسیدن معنای کلمات بیرون از جمله یک ارزشیابی منسوخ است.

اعلموا

اسم تفضیل مبحثی پرکاربرد در قواعد هر زبانی از جمله عربی است. در کتاب درسی کلماتی مانند اعلی، اعلی، اَحَب، اَشَدَّ و خیر و شر نیز به عنوان اسم تفضیل آموزش داده شده‌اند.

مطالبی فراتر از کتاب برای دبیر (نه برای دانش‌آموز):

اسم تفضیل برای بیان برتری یک چیز نسبت به چیز دیگر یا بیان کمتر و زیادتر بودن صفتی در یک فرد یا یک چیز نسبت به دیگری در جمله ذکر می‌شود که اگر از فعل ثلاثی مجرد ساخته شود بر وزن «أَفْعَل» می‌آید و اگر از فعل ثلاثی مزید ساخته شود، قبل از آن، «أَشَدَّ» یا «أَكْثَر» قرار داده می‌شود و مصدر فعل را به صورت منصوب بعد از آن ذکر می‌کنیم

ثلاثی مجرد: حمیدٌ أكبرٌ من سعید.

ثلاثی مزید: ناصرٌ أكثرٌ أحساناً من حامدٍ.

برای ساختن اسم تفضیل از ثلاثی مزید مصدر آن را به صورت منصوب می‌آوریم و قبل از آن، «اکثر» یا «أشد» می‌آوریم.

اگر اسم تفضیل بر «عیب، رنگ و زینت» دلالت کند؛ مانند ثلاثی مزید ساخته می‌شود؛
مثال:

عیب: عینه اشدّ إعراراً من صدیقه: چشم او لوچ‌تر از دوستش است.

رنگ: الدم اشدّ إحمراراً من الشّفة: خون سرخ‌تر از لب است.

زینت: هذا البیت أكثر جمالاً من الآخر: این خانه زیباتر از دیگری است (کلمه «جمال» که

به معنای زیبایی است به هر دو شکل استفاده می‌شود: أجمل / أكثر جمالاً).

هماهنگی در ترجمه چند جای حوار درس اول و چند توضیح:

عِنْدَنَا قَمِیصٌ بِسَعْرِ خَمْسِينَ أَلْفَ تَومَانٍ. پیراهن به قیمت پنجاه هزار تومان داریم.

مَتَجَرٌّ وَ مَحَلٌّ هِر دُو بَه مَعْنَای مَغَازَه اَسْت؛ اَمَّا مَعْرَضُ نَمَائِشِگَاَه اَسْت. در زبان عربی دُكَّان

نیز به کار می‌رود و جمع آن دُكَاكِین است. دکان ریشه فارسی دارد.

تُخْفِیضُ وَ حَصَمٌ وَ حُصُومٌ هِر سَه بَه مَعْنَای تُخْفِیضُ هَسْتَنَد.

سَعْرٌ، قِیْمَةٌ وَ تَمَنٌ هِر سَه بَه مَعْنَای قِیْمَتُ هَسْتَنَد.

تمرین‌ها

هدف اصلی در این قسمت، تعمیق و تثبیت یادگیری در سه حوزه واژگان، قواعد و ترجمه

است و در راستای اصل تسهیل آموزش عربی سعی شده است تا تمرین درس ساده باشد و

دانش‌آموز از حل آنها لذت ببرد.

شایسته است دبیر ارجمند برگ‌های مخصوص قرائت دانش‌آموزان داشته باشد و هر بار

که یکی از دانش‌آموزان عبارتی یا تمرینی را می‌خواند در آن علامت بزند، تا عدالت آموزشی

در این باره اجرا شود و همه دانش‌آموزان به اندازه کافی تمرین کنند. برای حل تمرینات

نیازی به دفتر پاک‌نویس نیست. در کتاب درسی جای جواب پیش‌بینی شده است. در امتحان

شفاهی به راحتی می‌توان از کتابی دست‌نخورده استفاده کرد.

برخی می‌گویند: اگر دانش‌آموز پاسخ را در کتاب بنویسد، روز امتحان نمی‌تواند خودآزمایی کند؛ اما چنین نیست با چیزی شبیه یک تکه کاغذ یا خط‌کش به راحتی می‌توان روی پاسخ‌ها را گرفت. این کار موجب می‌شود دانش‌آموز کمتر خسته شود و فرصت کافی برای مهارت شفاهی زبان داشته باشد.

حلّ تمرین‌ها بر عهده دانش‌آموز است و نقش معلّم، نظارت و تصحیح است. تمرینات به گونه‌ای طراحی شده است که معلّم بتواند در جلسه سوم تمرینات درس اوّل را به پایان برساند.

تمرین اوّل:

هدف تقویت مهارت کاربرد واژگان است.

تمرین دوم:

در این سه تمرین، چند حدیث نبوی برای تقویت مهارت ترجمه گزینش شده است. جملات این تمرین‌ها را می‌توان در زندگی روزمره به عنوان شاهد مثال، برای بسیاری از موقعیت‌ها به کار برد. در این تمرین، گریزی به قواعد سال‌های گذشته نیز وجود دارد. این شیوه در کلّ کتاب درسی انجام شده است و در کتاب پایه دوازدهم نیز همچنان این کار انجام می‌شود. پنج حدیث به کار رفته همگی در راستای موضوع متن درس هستند.

۱ حُسْنُ الْخُلُقِ نِصْفُ الدِّينِ. (الْمُبْتَدَأُ وَالْخَبَرُ)

خوش اخلاقی، نیمی از دین است.

۲ مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ عَذَّبَ نَفْسَهُ. (الْمَفْعُولُ)

هرکس اخلاقش بد باشد (بد شود)، خودش را عذاب می‌دهد.

۳ إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ. (الْفِعْلُ الْمَاضِي الْمَجْهُولُ وَالْمَفْعُولُ)

فقط به خاطر مکارم اخلاق (بزرگواری‌های اخلاق) برانگیخته شدم.

۴ اللَّهُمَّ كَمَا حَسَّنْتَ خَلْقِي، فَحَسِّنْ خُلُقِي. (الْفِعْلُ الْمَاضِي وَفِعْلُ الْأَمْرِ)

۵ خدایا، همان طور که آفرینش را نیکو گردانیدی، اخلاقم را هم نیکو بگردان.

۶ لَيْسَ شَيْءٌ أُنْقَلَ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْخُلُقِ الْحَسَنِ. (اسْمَ التَّفْضِيلِ وَالْجَارِّ وَالْمَجْرُورِ)
در ترازوی اعمال چیزی سنگین‌تر از خوش اخلاقی نیست.

تمرین سوم:

در این تمرین، دانش‌آموز فعل را بیرون از جمله ترجمه می‌کند. این تمرین سخت است؛ اما دانش‌آموزی که سه سال فعل آموخته است باید بتواند در سال پنجم انواع فعل را تشخیص دهد. او باید افعال ماضی، مضارع، امر و نهی و ... را از هم تشخیص دهد؛ مثلاً باید بتواند أَذْهَبُ را از إِذْهَبْ تشخیص دهد. هدف اصلی این تمرین، تکرار آموخته‌های فراگیر در درس سوم و چهارم کتاب عربی پایه دهم است.

تمرین چهارم:

هدف از این تمرین یادآوری مبحث اعداد است. مبحث اعداد در سال گذشته یک درس کامل را به خود اختصاص داد. امسال نیز چند جای کتاب تکرار شده است و در بارم‌بندی نیز نمره مستقلی دارد.

تمرین پنجم:

هدف، تکرار آموخته‌های سال گذشته است که در بارم‌بندی نیز مجدداً دارای سهمیه است.

تمرین ششم:

هدف، تلفیق آموخته‌های دانش‌آموز در مبحث مشتقات است. البته بحث جامد و مشتق در کتاب وجود ندارد. اصولاً شناخت اسم جامد ارزش ندارد. این شناخت اسم مشتق است که ارزش زبانی دارد. نه تنها در این تمرین، بلکه در بسیاری از تمرینات جملات ارزشی طراحی شده است.

ارزشیابی

می‌توان از دانش‌آموزان خواست تا در گروه‌های چندنفره تمرینات درس را حل کنند، سپس رفع اشکال توسط معلم انجام شود، یا اینکه در منزل حل کنند و در کلاس رفع اشکال گردد.

وسایل کمک آموزشی

شایسته است دبیران محترم از این وسایل کمک آموزشی در کلاس استفاده کنند:
کتاب گویا، نرم‌افزار آموزشی، فیلم، اینفوگراف^۱، پاورپوینت، ماهنگ آموزشی، تصویر، اعلان (پوستر)، فلش کارت

الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

اِسْتَخْرِجْ خَمْسَةَ اَسْمَاءٍ تَفْضِيْلٍ مِّنْ دُعَاءِ الْاِفْتِتَاحِ.

هدف از این تمرین، تشویق دانش‌آموز به انجام فعالیت و تحقیق است. نمره این بخش را می‌توان در امتحان مستمر اوّل و دوم حساب کرد. انجام این بخش منوط به داشتن وقت است. اگر دبیری زمان کافی در اختیار نداشت، در انجام دادن و ندادن این قسمت از کتاب درسی مختار است.

متن دعای افتتاح:

http://www.tebyan.net/Weblog/gh_mahdi/post.aspx?PostID=26948

دانش‌افزایی برای دبیر (نه برای دانش‌آموز)

۱- اِتَّقَى، يَتَّقَى، اِتِّقَاءٌ حُرُوفِ اَصْلِيٍّ اَنْ، و ق ي اِسْت. (اَوْتِقَاءٌ = اِتِّقَاءٌ)

۲- اَتَّقَى الرَّجُلُ: اَنْ مَرَدٌ پَرِهِيْزْگَارٌ شَد. اَنْ مَرَدٌ پَرُو كَرْد.

۱- آموزگاران، خبرنگاران و ... پرده‌نگاری (اینفوگرافیک) را به عنوان یک توانایی یافته‌اند که در رساندن تندتر و تیزهوشانه‌تر مقاصدشان به مخاطبان آنها را یاری می‌رساند. اطلاع‌نگاشت (اینفوگراف) یک جهش دیداری در آموزش است. با تصویرسازی درست، افراد می‌توانند سریع‌تر و با پشتیبانی اطلاعات بهتر تصمیم‌سازی کنند.
اینفوگراف چیست؟ واژه اطلاع‌نگاشت (اینفوگراف) Infograph کوتاه‌شده Information Graphic است. امروزه اطلاع‌نگاشت‌ها (اینفوگراف‌ها) را بسیار در اطراف خود مشاهده می‌کنیم، نقشه‌ها و ارائه اطلاعات علمی، همه به نوعی از اطلاع‌نگاشت (اینفوگراف) به عنوان یک ابزار کارا استفاده می‌کنند. اطلاع‌نگاری (اینفوگرافیک) نمایشگر تصویری اطلاعات و داده‌ها است.

آنچه یک دیدن کند ادراک آن سال‌ها نتوان نمودن با بیان (مولوی)

۳ اتَّقَى فلاناً: از فلانی ترسید، از او کناره‌گیری کرد؛ «اتَّقَيْنَا بِهِ»: برای محافظت، او را پیشاپیش همه مانند سپری در برابر دشمن نهادیم و حمله کردیم.

۴ این کلمات را می‌توان تا حدودی مترادف دانست: اِنَّم، جُنَاح، مَعْصِيَةٌ، وَزْر، خَطِيئَةٌ، ذَنْب هرچند تفاوت‌هایی در معنای این کلمات وجود دارد.

۵ اصطلاح «بَعْض ... بَعْض» معادل «یکدیگر» در فارسی است؛ مثال: دَفَعَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا لِشِدَّةِ الزَّحَامِ. به خاطر شلوغی یکدیگر را هل دادند. همچنین امروزه در کشورهایی مانند عربستان سعودی اصطلاح «مَعَ بَعْض» به معنای «با یکدیگر» بسیار کاربرد دارد؛ مثال: رُحْنَا مَعَ بَعْضٍ. لماذا يَكْرَهُ الزُّمْلَاءُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا؟ تَنَاصَرَ النَّاسُ بَعْضُهُمُ الْبَعْضَ، أَوْ بَعْضُهُمْ بَعْضًا. نَصَرَ النَّاسُ بَعْضُهُمُ الْبَعْضَ. تَعَاوَنَ الْمُؤْمِنُونَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا.

۶ تَسْمِيَةٌ از کلمه اسم گرفته شده است، برخی گویند اصل آن «سمو» است و همزه اول عوض از واو است و برخی نیز گویند ریشه‌اش «وسم» به معنای علامت است که واو به همزه قلب شده است.

۷ گاهی قَدْ حرفی است که اختصاص به فعل داده می‌شود، به شرط اینکه فعل متصرف و خبری و مثبت بوده و مجرد از عامل جزم و نصب باشد. این حرف از فعل جدا نمی‌شود، مگر با قسم که میان آن و فعل فاصله می‌افتد و مضمون آن را تأکید می‌کند. عبارت «قَدْ لَا يَفْعَلُ» درست نیست. درست آن «رُبَّمَا لَا يَفْعَلُ» یا «لَنْ يَفْعَلَ» است.

گاهی قَدْ با فعل مضارع معنای تَوْقِع را می‌رساند؛ مانند: «قَدْ يَقُومُ الْعَائِبُ الْيَوْمَ» و نیز به معنای تقلیل می‌آید؛ مانند: «قَدْ يَصِدُقُ الْكَذُوبُ» یعنی دروغگو گاهی راست می‌گوید و گاهی به معنای تحقیق با فعل ماضی می‌آید؛ مانند: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ اتَّقَى اللَّهَ» و گاهی برای وصل گذشته به حال می‌آید؛ مانند: «قَدْ قَامَ فُلَانٌ» و گاهی معنای بسیار را با فعل مضارع می‌دهد؛ مانند: «قَدْ أَشْهَدُ الْغَارَةَ الشَّعْوَاءَ تَحْمَلْنِي»؛ یعنی چه بسیار حمله‌های سخت را می‌بینم. در قرآن نیز آیه ﴿قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ﴾ معنای تقلیل ندارد و استثناست.

الدَّرْسُ الثَّانِي

اهداف

دانش‌آموز در پایان این درس باید بتواند:

- ۱ متن درس فی محضر المَعْلَم را درست قرائت و ترجمه کند.
- ۲ معنای کلمات جدید درس را از عربی به فارسی بگوید.
- ۳ پیام متن را درک کند.
- ۴ برخی احادیث ساده درس را حتّی الامکان از حفظ بگوید و نمونه‌هایی در عمل کردن به مصادیق آن بگوید.
- ۵ ادوات شرط «إِنْ، مَنْ و ما» را بشناسد.
- ۶ فعل شرط و جواب آن را درست تشخیص دهد.
- ۷ جواب شرط را در جمله اسلوب شرط به صورت جمله اسمیه تشخیص دهد.
- ۸ جمله دارای اسلوب شرط را درست ترجمه کند.
- ۹ فعل و جواب شرط ماضی را در جمله دارای اسلوب شرط درست ترجمه کند.

فرایند آموزش

متن درس دوم عربی زبان قرآن (۲) درباره «فی محضر المَعْلَم» است. متن این درس، در نظرسنجی‌ها مورد توافق اکثر دبیران بود. این درس اشاره‌ای به آداب در محضر استاد دارد.

هماهنگی در ترجمه متن درس دوم

فِي الْحِصَّةِ الْأُولَى كَانَ الطُّلَابُ يَسْتَمِعُونَ إِلَى كَلَامِ مُدْرِّسِ الْكِيمِيَاءِ.
در زنگ اوّل دانش‌آموزان به سخن معلّم شیمی گوش می‌کردند.
وَ كَانَ بَيْنَهُمْ طَالِبٌ مُشَاغِبٌ قَلِيلُ الْأَدَبِ، يَضُرُّ الطُّلَابَ بِسُلُوكِهِ.

و در میان آنها دانش‌آموزی اخلاک‌گر و بی‌ادب بود که با رفتارش به دانش‌آموزان آسیب می‌رساند.

يَلْتَفِتُ تَارَةً إِلَى الْوَرَاءِ وَ يَتَكَلَّمُ مَعَ الَّذِي خَلْفَهُ وَ تَارَةً يَهْمِسُ إِلَى الَّذِي يَجْلِسُ جَنْبَهُ حِينَ يَكْتُبُ الْمُعَلِّمُ عَلَى السَّبْوَرَةِ.

یک بار رویش را به عقب بر می‌گرداند و با کسی که پشت سرش بود، صحبت می‌کرد و یک بار وقتی که معلم روی تخته می‌نوشت، با کسی که کنارش بود، پچ‌پچ می‌کرد.

وَ فِي الْحِصَّةِ الثَّانِيَةِ كَانَ الطَّالِبُ يَسْأَلُ مُعَلِّمَ عِلْمِ الْأَحْيَاءِ تَعْتُنًا.

و در زنگ دوم همین دانش‌آموز به قصد مچ‌گیری از معلم زیست‌شناسی سؤال می‌کرد.

وَ فِي الْحِصَّةِ الثَّلَاثَةِ كَانَ يَتَكَلَّمُ مَعَ زَمِيلٍ مِثْلِهِ وَ يَضْحَكُ.

و در زنگ سوم، با هم‌کلاسی مانند خودش صحبت می‌کرد و می‌خندید.

فَنَصَحَهُ الْمُعَلِّمُ وَ قَالَ: مَنْ لَا يَسْتَمِعُ إِلَى الدَّرْسِ جَيِّدًا يَرْتَسِبُ فِي الْإِمْتِحَانِ. وَلَكِنَّ الطَّالِبَ اسْتَمَرَ عَلَى سُلُوكِهِ.

معلم، او را نصیحت کرد و گفت: هرکس به درس خوب گوش فرا ندهد، در امتحان مردود می‌شود؛ ولی آن دانش‌آموز رفتارش را ادامه داد.

فَكَرَّ مِهْرَانُ حَوْلَ هَذِهِ الْمَشْكَلَةِ، فَذَهَبَ إِلَى مُعَلِّمِ الْأَدَبِ الْفَارِسِيِّ وَ شَرَحَ لَهُ الْقَضِيَّةَ وَ قَالَ:

مهران درباره این مشکل فکر کرد و نزد معلم ادبیات فارسی رفت و موضوع را برایش شرح

داد و گفت:

أُحِبُّ أَنْ أَكْتُبَ إِِنْشَاءً تَحْتَ عُنْوَانِ «فِي مَحْضَرِ الْمُعَلِّمِ»؛ فَوَافَقَ الْمُعَلِّمُ عَلَى طَلْبِهِ، وَ قَالَ لَهُ:

دوست دارم انشایی تحت عنوان «در محضر معلم» بنویسم؛ معلم با درخواستش موافقت

کرد و به او گفت:

إِنْ تُطَالَعُ كِتَابَ «مُنِيَّةِ الْمُرِيدِ» لِزَيْنِ الدِّينِ الْعَامِلِيِّ «الشَّهِيدِ الثَّانِي» يُسَاعِدُكَ عَلَى كِتَابَةِ إِِنْشَائِكَ؛

اگر کتاب «منیه المرید» زین‌الدین عاملی «شهیدثانی» را مطالعه کنی تو را در نوشتن

انشایت کمک می‌کند.

ثُمَّ كَتَبَ مَهْرَانُ إِنْشَاءَهُ وَ أَعْطَاهُ لِمُعَلِّمِهِ. فَقَالَ الْمُعَلَّمُ لَهُ:

سپس مهران انشایش را نوشت و به معلمش داد. معلم به او گفت:

إِنْ تَفَرَّقْنَا إِنْشَاءَكَ أَمَامَ الطَّلَابِ فَسَوْفَ يَتَنَبَّهُ زَمِيلُكَ الْمُشَاغِبُ.

اگر انشایت را مقابل دانش‌آموزان بخوانی هم‌شاگردی اخلاک‌گرت آگاه خواهد شد.

وَ هَذَا قِسْمٌ مِنْ نَصِّ إِنْشَائِهِ.

و این بخشی از متن انشای اوست.

... أَلْفَ عَدَدٍ مِنَ الْعُلَمَاءِ كُنُبًا فِي مَجَالَاتِ التَّرْبِيَةِ وَ التَّعْلِيمِ، يَرْتَبِطُ بَعْضُهَا بِالْمُعَلِّمِ، وَ

الْأُخْرَى بِالْمُتَعَلِّمِ؛ وَ لِلطَّلَابِ فِي مَحْضَرِ الْمُعَلِّمِ آدَابٌ، مَنْ يَلْتَزِمُ بِهَا يَنْجَحُ؛ أَهْمُهَا:

... شماری از دانشمندان در زمینه‌های آموزش و پرورش کتاب‌هایی نوشته‌اند که برخی از

آنها به معلم ربط دارد و برخی دیگر به یادگیرنده، دانش‌آموز در محضر معلم آدابی دارد،

هرکس پایبند آن باشد موفق می‌شود؛ مهم‌ترین آنها عبارت است از:

۱ أَنْ لَا يَعِصِيَ أَوْامِرَ الْمُعَلِّمِ. اینکه از دستورهای معلم سرپیچی نکند.

۲ الْاجْتِنَابُ عَنِ الْكَلَامِ فِيهِ إِسَاءَةٌ لِلْأَدَبِ. دوری کردن از سخنی که در آن بی‌ادبی است.

۳ أَنْ لَا يَهْرَبَ مِنْ آدَاءِ الْوُجُوبَاتِ الْمَدْرَسِيَّةِ. اینکه از انجام تکالیف مدرسه نگریزد.

۴ عَدَمُ النَّوْمِ فِي الصَّفِّ، عِنْدَمَا يُدْرَسُ الْمُعَلِّمُ. نخوابیدن در کلاس، وقتی که معلم درس

می‌دهد.

۵ أَنْ لَا يَتَكَلَّمَ مَعَ غَيْرِهِ مِنَ الطَّلَابِ عِنْدَمَا يُدْرَسُ الْمُعَلِّمُ. اینکه وقتی معلم درس می‌دهد،

با دانش‌آموزان دیگر صحبت نکند.

۶ أَنْ لَا يَقْطَعَ كَلَامَهُ، وَ لَا يَسْبِقُهُ بِالْكَلَامِ، وَ يَصْبِرُ حَتَّى يَفْرَغَ مِنَ الْكَلَامِ. اینکه سخن او

را قطع نکند و در سخن، از او پیشی نگیرد و صبر کند تا سخن او تمام شود.

۷ الْجُلُوسُ أَمَامَهُ بِأَدَبٍ، وَ الْإِسْتِمَاعُ إِلَيْهِ بِدَقَّةٍ وَ عَدَمُ الْإِلْتِفَاتِ إِلَى الْوَرَاءِ إِلَّا لِضَرُورَةٍ.

نشستن مقابل او با ادب و گوش فرا دادن به او به دقت و برنگشتن به عقب جز به ضرورت.

لَمَّا سَمِعَ الطَّلِبُ الْمُشَاغِبُ إِنْشَاءَ مَهْرَانِ، حَجِلَ وَ نَدِمَ عَلَى سُلُوكِهِ فِي الصَّفِّ.

وقتی که آن دانش‌آموز اخلاک‌ر انشای مهران را شنید، شرمنده شد و از رفتارش در کلاس پشیمان شد.

قَالَ الشَّاعِرُ الْمِصْرِيُّ أَحْمَدَ شَوْقِي عَنِ الْمُعَلِّمِ:

شاعر مصری احمد شوقی دربارهٔ معلم گفته است:

فَمَ لِلْمُعَلِّمِ وَقْفِهِ التَّبَحُّيْلَا كَادَ الْمُعَلِّمُ أَنْ يَكُونَ رَسُولَا

برای معلم برخیز و احترامش را کامل به جا بیاور. نزدیک است که معلم پیامبری باشد.

أَعْلِمْتَ أَشْرَفَ أَوْ أَجَلَّ مِنَ الَّذِي يَبْنِي وَيُنْشِئُ أَنْفُسًا وَعُقُولَا

آیا شناخته‌ای (سراغ داری) شریف‌تر و باشکوه‌تر از معلمی که جان‌ها و خردها را می‌سازد و پدید می‌آورد؟

بخش درک مطلب

این بخش یک هدف اولیه دارد که همان‌گونه که از نامش پیداست، درک معنای عبارت و متن است، اما همچنان هدف مهم قرائت مدّ نظر است. باید دانش‌آموز عبارت‌ها را با صدای بلند بخواند و پاسخ درست و نادرست را مشخص کند. پاسخ‌ها به ترتیب عبارت‌اند از: بلافاصله پس از همهٔ درس‌های کتاب عربی دهم درک مطلب آمده است. در این درس نیز همین‌گونه است.

پاسخ درک مطلب

در این کتاب، پاسخ کامل داده شده است؛ اما دانش‌آموز می‌تواند پاسخ کوتاه دهد و هیچ اشکالی ندارد.

۱ | إِلَى مَنْ ذَهَبَ مِهْرَانُ؟ ذَهَبَ مِهْرَانُ إِلَى مُعَلِّمِ الْأَدَبِ الْفَارِسِيِّ.

۲ | كَيْفَ يَجِبُ الْجُلُوسُ أَمَامَ الْمُعَلِّمِ؟ يَجِبُ الْجُلُوسُ أَمَامَهُ بِأَدَبٍ.

۳ | كَيْفَ كَانَتْ أَخْلَاقُ الطَّالِبِ الَّذِي كَانَ يَلْتَفِتُ إِلَى الْوَرَاءِ؟ كَانَ الطَّالِبُ مُشَاغِبًا قَلِيلَ الْأَدَبِ.

۴ | مَا اسْمُ الْكِتَابِ الَّذِي قَرَأَهُ مِهْرَانُ فِي مَجَالِ التَّرْبِيَةِ وَ التَّعْلِيمِ؟ اسْمُهُ «مُنِيَّةُ الْمُرِيدِ».

۵ | فِي أَيِّ حِصَّةٍ كَانَ الطَّالِبُ يَسْتَمِعُونَ إِلَى كَلَامِ أَسْتَاذِ الْكِيمِيَاءِ؟ فِي الْحِصَّةِ الْأُولَى.

کتاب منیة المرید فی آداب المفید و المستفید از آثار اخلاقی، تربیتی و آموزشی است. شهید ثانی در میانه سده دهم هجری و در سال ۹۵۴ق این کتاب را نوشته است. این کتاب، بیانگر روابط بین معلّم و شاگرد و در بیان فضیلت دانش‌ورزی است. این کتاب به زبان عربی بوده و بارها در ایران، عراق، هند و لبنان چاپ شده است. عنوان ترجمه کتاب، آداب تعلیم و تعلم در اسلام: ترجمه گزارش‌گونه کتاب منیة المرید فی آداب المفید و المستفید از شهید ثانی است. مترجم دکتر سیدمحمدباقر حجّتی است و توسط دفتر نشر فرهنگ اسلامی به چاپ سی‌ام رسیده است. متن اصلی عربی کتاب، توسط سید محمدرضا طباطبایی به عربی تلخیص شده است. عنوان کتاب المراد فی منیة المرید می‌باشد و کتاب درسی پایه‌های دوم و سوم حوزه‌های علمیه است. تلخیص فوق توسط حمیدرضا شریعتمداری ترجمه شده است. عنوان کتاب «آیین دانشوری» ترجمه کتاب المراد فی منیة المرید و ناشر مؤسسه دارالعلم می‌باشد. بارگذاری کتاب: adel-ashkboos.mihanblog.com/post/1390

«اعلموا»

در بخش «اعلموا» مبحث اسلوب شرط و ادوات آن مطرح شده است. در اینجا فقط آشنایی با نحوه ترجمه جملات دارای اسلوب شرط آمده است. در احادیث و روایات چنین ساختاری بسیار به کار رفته است؛ لذا دانش‌آموز باید با معنا و مفهوم آن آشنا شود.

تمرین‌ها

تمرین‌های این درس نیز مانند درس اول، کوتاه و ساده‌اند؛ تا دانش‌آموز با حلّ تمرین بتواند خود را بیازماید و آموخته‌هایش را تثبیت کند. سعی شده است حتی‌الامکان در تمرین‌ها کلمه جدیدی به کار نرود. تمرین‌ها باید در کلاس به صورت گروهی حل شود تا دانش‌آموز کار گروهی را یاد بگیرد. آنگاه دانش‌آموزان پاسخ‌های خود را می‌خوانند و دبیر رفع اشکال می‌کند. در همه کتاب، حداکثر شش تمرین طراحی شده است.

تمرین اول:

هدف، تقویت مهارت درک و فهم و کاربرد واژگان است.

تمرین دوم:

این تمرین تقویت آموخته‌های دانش‌آموز در بخش قواعد است و در خلال آن، آموخته‌های سال گذشته نیز تکرار شده است. عبارت‌ها از قرآن و حدیث برگزیده شده؛ زیرا هدف اصلی آموزش عربی نیز همین است.

تمرین سوم:

هدف، تکرار آموخته‌های دانش‌آموز در عربی دهم است. این دو درس مربوط به اشکال مختلف فعل هستند. فعل مهم‌ترین بخش قواعد زبان عربی است و در بارم‌بندی نیز همچنان مانند پایه دهم جایگاه بالایی دارد.

تمرین چهارم:

هدف، تکرار آموخته‌های دانش‌آموز در دوره اول متوسطه است. کاربرد اسم اشاره به همراه مشارالیه هدف این تمرین است.

تمرین پنجم:

هدف، تقویت کاربرد واژگان است. متضاد و مترادف در هر زبانی از تمرین‌های اصلی است.

تمرین ششم:

هدف، مجدداً مانند تمرین دوم تثبیت آموخته‌های بخش قواعد درس است.

البحث العلمی (پژوهش)

در انتهای هر درس، این بخش نهاده شده است و دبیر علاقه‌مند می‌تواند در صورت داشتن زمان کافی، دانش‌آموزان را تشویق به انجام پژوهش کند. بدیهی است که در دروسی مانند عربی و انگلیسی نظر به اینکه زبان این درس‌ها فارسی نیست آزادی عمل وجود ندارد.

ارزشیابی

دبیر لیستی در اختیار دارد و هر بار که دانش‌آموزی جمله‌ای را می‌خواند علامت می‌زند

تا همه بخوانند و عدالت آموزشی در حل تمرین‌ها رعایت شود. هرچند گاهی دبیر برای تسهیل آموزش از برخی دانش‌آموزان مستعد استفاده می‌کند؛ اما باید توجه داشت که افراط در این کار، موجب ناراحتی سایر دانش‌آموزان و ایجاد حس ناخوشایند نسبت به دانش‌آموز فعال می‌شود.

وسایل کمک آموزشی

کتاب گویا، نرم‌افزار آموزشی، فیلم، اینفوگراف (اطلاع‌نگاشت)، پاورپوینت، ماهنگ آموزشی، اسلاید، اعلان (پوستر)، فلش کارت

دانش‌افزایی برای دبیر (نه برای دانش‌آموز)

۱ معانی و کاربردهای مختلف «أَلَفَّ»:

أَلَفَّ الشَّيْءَ : بخش‌های چیزی را به هم پیوند داد.

أَلَفَّ الْأَلْفَ : شماره چیزی را به یک هزار رسانید.

أَلَفَّ الْكِتَابَ : کتاب را گردآوری و تألیف کرد.

أَلَفَّ الْحُكُومَةَ : دولت را تشکیل داد.

أَلَفَّ بَيْنَهُمْ : میانشان دوستی برقرار ساخت.

۲ تَارَةً یعنی یک بار و کاربردهای گوناگون دارد:

۱ جمع آن تارات: زمان و یک بار؛ «فَعَلْتُ تَارَةً هَذَا وَ تَارَةً (أَوْ طَوْرًا) ذَاكَ»: گاهی این کار و گاهی آن کار را انجام دادم. « تَارَةً بَعْدَ تَارَةٍ »: گهگاه، گاه و بی‌گاه.

۲ حِصَّةٌ در کتاب درسی به معنای زنگ مدرسه به کار رفته است. الحصة الثانية، یعنی زنگ دوم. معانی مختلف حصه عبارت است از: سهمیه، سهم، بهره، قسمت، نصیب، بورسیه.

حِصَّةٌ (منحة) دِرَاسِيَّةٌ: بورس تحصیلی؛ حِصَّةٌ فِي الرَّبْحِ: سود سهم برای دارنده آن.

۳ مصدر خِجَالَتْ در زبان فارسی کاربرد دارد. در عربی خَجَلْ گفته می‌شود.

۴ معانی کاد: نزدیک شد (بود)، در شُرْفٍ ... واقع شد، در مرز ... قرار گرفت، در آستانه ... قرار گرفت، نزدیک بود که / ما کاد ... حَتَّىٰ يَا لَمَ يَكِدْ ... حَتَّىٰ: هنوز ... (فعل منفی) که ... به محض اینکه ... چیزی نگذشته بود که ...، به مجرد اینکه.

الدَّرْسُ الثَّالِثُ

اهداف

دانش‌آموز در پایان این درس باید بتواند:

- ۱ متن درس را درست بخواند، بفهمد و ترجمه کند.
- ۲ دو پیام متن را درست درک کند (اَوَّلُ تَفَكَّرُ در آفرینش خدا؛ دوم اهمیت درختکاری)
- ۳ معنای کلمات جدید این درس را از عربی به فارسی بیان کند.
- ۴ به هنگام ضرورت به آیات و احادیث درس استشهاد کند.
- ۵ معنای اسم معرفه به ال و اسم نکره را بداند و در جمله درست ترجمه کند.
- ۶ اسم معرفه به ال و عَلمَ را در جمله و متن تشخیص دهد.
- ۷ با یک متن مکالمه در محیط ورزشی آشنا شود.

فرایند آموزش درس

می‌توان از کلیپ‌هایی در مورد انواع درختان در این زمینه پیش از شروع درس استفاده کرد. این کار بستگی به وقت و امکانات مدرسه دارد. در غیر این صورت، می‌توان از خود دانش‌آموزان در مورد درختان عجیب سؤال کرد. متن درس همانند درس باران ماهی در پایه دهم بسیار جذاب است و دانش‌آموزان به چنین متونی علاقه بسیار نشان می‌دهند.

هماهنگی در ترجمه متن درس

ظَوَاهِرُ الطَّبِيعَةِ تُثَبِّتُ حَقِيقَةً وَاحِدَةً وَ هِيَ قُدْرَةُ اللَّهِ، وَالْآنَ نَصِفُ بَعْضَ هَذِهِ الظَّوَاهِرِ.
پدیده‌های طبیعت یک حقیقت را ثابت می‌کنند و آن قدرت خداست، و اینک برخی از این پدیده‌ها را توصیف می‌کنیم.

الْعِنَبُ الْبَرَزِيلِيُّ شَجَرَةٌ تَخْتَلِفُ عَنْ بَاقِي أَشْجَارِ الْعَالَمِ، تَنْبُتُ فِي الْبَرَزِيلِ، وَ تَنْمُو أَثْمَارُهَا عَلَى جَذْعِهَا، وَ مِنْ أَهَمِّ مَوَاصِفَاتِ هَذِهِ الشَّجَرَةِ أَنَّهَا تُعْطَى أَثْمَاراً طَوَّلَ السَّنَةِ.
انگور برزیلی درختی است که با بقیه درختان جهان فرق دارد، در برزیل می‌روید و میوه‌هایش روی تنه آن هستند و از مهم‌ترین ویژگی‌های این درخت، این است که در طول سال میوه می‌دهد.

شَجَرَةُ السُّكُوبَا شَجَرَةٌ مِنْ أَطْوَلِ أَشْجَارِ الْعَالَمِ فِي كَالِيفُورِنِيا، قَدْ يَبْلُغُ ارْتِفَاعَ بَعْضِهَا أَكْثَرَ مِنْ مِئَةِ مِترٍ وَ قَدْ يَبْلُغُ قَطْرُهَا تِسْعَةَ أمتارٍ، وَ يَزِيدُ عُمرُهَا عَلَى ثَلَاثَةِ آلَافٍ وَ خَمْسِمِئَةِ سَنَةٍ تَقْرِیباً.
درخت سکویا درختی است از بلندترین درختان جهان در کالیفرنیا، گاهی بلندی برخی از آنها به بیش از صد متر می‌رسد و گاهی قطر آن به نه متر می‌رسد و عمر آن تقریباً بیشتر از سه هزار و پانصد سال است.

الشَّجَرَةُ الْخَانِقَةُ شَجَرَةٌ تَنْمُو فِي بَعْضِ الْغَابَاتِ الْإِسْتَوَائِيَّةِ، تَبْدَأُ حَيَاتَهَا بِالِالْتِفَافِ حَوْلَ جِذْعِ شَجَرَةٍ وَ عُصُونِهَا، ثُمَّ تَخْتَنُقُهَا تَدْرِيجِيًّا. يَوْجَدُ نَوْعٌ مِنْهَا فِي جَزِيرَةِ قِشْمِ الْتِي تَقَعُ فِي مُحَافِظَةِ هَرْمُزْجَانِ.
درخت خفه‌کننده درختی است که در برخی جنگل‌های استوایی می‌روید [و] زندگی‌اش را با درهم پیچیدن به دور تنه درخت آغاز می‌کند، سپس آن را کم‌کم خفه می‌کند. گونه‌ای از آن در جزیره قشم که در استان هرمزگان واقع است وجود دارد.

شَجَرَةُ الْخُبْزِ شَجَرَةٌ أُسْتَوَائِيَّةٌ تَنْمُو فِي جُزُرِ الْمُحِيطِ الْهَادِي، تَحْمِلُ أَثْمَاراً فِي نِهَائِيَةِ أَغْصَانِهَا
كَالْخُبْزِ. يَأْكُلُ النَّاسُ لَبَّ هَذِهِ الْأَثْمَارِ.

درختِ نانِ درختی استوایی است که در جزیره‌های استوایی اقیانوس آرام می‌روید [و]
میوه‌هایی مانند نان در انتهای شاخه‌هایش حمل می‌کند. مردم مغز این میوه‌ها را می‌خورند.
شَجَرَةُ النَّفْطِ شَجَرَةٌ يَسْتَعْمِدُهَا الْمُزَارِعُونَ كَسِيَا حَوْلَ الْمَزَارِعِ لِحِمَايَةِ مَحَاصِلِهِمْ مِنَ
الْحَيَوَانَاتِ.

درختِ نفت، درختی است که کشاورزان آن را مانند پرچینی دور کشتزارها برای حمایت از
محصولاتشان از جانوران به کار می‌گیرند.

لِأَنَّ رَائِحَةَ هَذِهِ الشَّجَرَةِ كَرِيهَةٌ تَهْرَبُ مِنْهَا الْحَيَوَانَاتُ، وَ تَحْتَوِي بُدُورُهَا عَلَى مِقْدَارٍ مِنَ
الزُّبُوتِ لَا يُسَبِّبُ اشْتِعَالَهَا خُرُوجَ أَيِّ غَازَاتٍ مُلَوِّثَةٍ.

زیرا بوی این درخت، ناپسند است و جانوران از آن می‌گریزند و دانه‌هایش حاوی مقداری
روغن است و آتش گرفتن آن، سبب خروج هیچ گاز آلوده‌کننده‌ای نمی‌شود.
وَ يُمَكِّنُ إِنْتَاجَ النَّفْطِ مِنْهَا. وَ يَوْجَدُ نَوْعٌ مِنْهَا فِي مَدِينَةِ نِيكْشَهْرٍ بِمُحَافَظَةِ سِيِسْتَانِ وَ
بَلُوشِسْتَانِ بِاسْمِ شَجَرَةِ مِدَادِ.

و تولید نفت از آن امکان دارد و گونه‌ای از آن در نیک‌شهر در استان سیستان و بلوچستان
به نام درختِ مداد وجود دارد.

شَجَرَةُ الْبَلُوطِ هِيَ مِنَ الْأَشْجَارِ الْمُعَمَّرَةِ وَ قَدْ تَبْلُغُ مِنَ الْعُمُرِ أَلْفِي سَنَةٍ. تَوْجَدُ غَابَاتٌ جَمِيلَةٌ
مِنْهَا فِي مُحَافَظَةِ إِيْلَامِ وَ لُرِسْتَانِ. يَدْفِنُ السَّنْجَابُ بَعْضَ جَوْزَاتِ الْبَلُوطِ السَّلِيمَةِ تَحْتَ التُّرَابِ،
وَ قَدْ يَنْسَى مَكَانَهَا. وَ فِي السَّنَةِ الْقَادِمَةِ تَنْمُو تِلْكَ الْجَوْزَةُ وَ تَصِيرُ شَجَرَةً.

درخت بلوط از درختان کهنسال است و عمر آن به دو هزار سال می‌رسد. جنگل‌های
زیبایی از آن در استان ایلام و لرستان وجود دارد. سنجاب برخی دانه‌های سالم بلوط را زیر
خاک دفن می‌کند و گاهی جایش را فراموش می‌کند و در سال آینده، آن دانه می‌روید و
درختی می‌شود.

قَالَ الْإِمَامُ الصَّادِقُ عليه السلام: اِرْزَعُوا وَ اَغْرَسُوا... وَ اللّٰهُ مَا عَمَلَ النَّاسُ عَمَلًا اَحَلَّ وَ لَا اَطْيَبَ مِنْهُ.
امام صادق عليه السلام فرموده‌اند: کشاورزی کنید و نهال بکارید، ... به خدا سوگند، مردم کاری
حلال‌تر و پاک‌تر از آن انجام نداده‌اند.

اعلموا

قواعد درس درباره اسم معرفه و نکره است. مهم‌ترین معرفه از شش نوع معارف معرفه به ال است که بسیار پرکاربرد می‌باشد. در این کتاب، فقط دو نوع معرفه تدریس شده است. دانش‌آموزان علاقه‌مند در دانشگاه و حوزه این بحث را کامل خواهند کرد. قرار نیست هرچه در زمینه صرف و نحو و دانش‌های زبانی وجود دارد را دانش‌آموز در طول دبیرستان بیاموزد. اسم معرفه و نکره در دستور زبان فارسی:

اسم معرفه:

اسم معرفه یا شناخته شده اسمی است که نزد مخاطب معین و معلوم است.

اسم معرفه انواعی دارد:

- ۱ اسم خاص، مانند کورش، داریوش، پروین، شهرزاد
- ۲ معرفه به اشاره، یعنی اسمی که به وسیله صفت‌های اشاره این، آن، همین و همان وصف شده باشد؛ مثال: آن کتاب، این کتاب، همان خانه، همین خانه.
- ۳ عهد ذکری: اسمی که قبلاً در کلام آمده باشد؛ مثال: کیفی را پیدا کردم. کیف را به صاحبش رساندم؛ یعنی کیف مذکور را رساندم.
- ۴ عهد ذهنی، اسمی که در ذهن مخاطب مشخص است؛ مانند پیغمبر فرمود: (یعنی پیامبر اسلام)، خانه را خریدم؛ (یعنی خانه‌ای را که تو اطلاع داری).
- ۵ ضمیر جزء معرفه‌هاست؛ مانند: من، تو، او ...
- ۶ اسم مضاف به معرفه یا دارای متمم معرفه؛ مثال: شهر ما، درس دیروز، دوستی با کاوه، اقامت در شیراز.
- ۷ معرفه جنسی؛ یعنی اسمی که بر جنس یا نوع دلالت کند؛ مانند انسان و حیوان، یعنی نوع انسان و نوع حیوان.

گاهی اسم معرفه نشانهٔ لفظی دارد؛ مانند «را»، «این»، «آن»، «همین» و «همان» گاهی نیز ندارد، مگر اینکه خالی بودن اسم را از نشانه‌های نکره، از دلایل معرفه بودن آن به شمار آوریم.

اسم نکره

اسم نکره، یا ناشناخته اسمی است که در نزد مخاطب مبهم و نامشخص است؛ مانند: کتابی، شهرهایی.

از نشانه‌های نکره می‌توان به «ی» و «یک» و صفات مبهمی از قبیل: چند، فلان، هر، چنین و چنان اشاره کرد؛ مثال: چه مردی، هیچ زنی، فلان کوچه، یک روزی، هر شبی و ...

نکته:

گاهی «ی» نشانهٔ نکره نیست؛ مانند «مردی» در جملهٔ «مردی را که دیروز دیدم پدرش بود».

این جمله را می‌توان این‌گونه تفسیر کرد: «آن مردی را که دیروز دیدم پدرش بود». بهتر است که این «ی» را موصول به شمار آوریم، نه نشانهٔ نکره.

حوار

مکالمهٔ این درس در یک محیط ورزشی است. همهٔ دانش‌آموزان در این سن به ورزش علاقه‌مندند. دلیل‌گزینش این متن نیز همین علاقه‌مندی فراگیران است. این متن می‌تواند در ایجاد انگیزه و علاقه نسبت به درس زبان عربی تأثیرگذار باشد. آشنایی با چند اصطلاح ورزشی به زبان عربی برای دانش‌آموزان جالب است.

تمرین‌ها

تمرین اول:

هدف، تقویت کاربرد واژگان و درک مطلب است.

پاسخ‌ها عبارت‌اند از: الْمُحِيطُ الْهَادِيٌّ، الْإِلْتِفَافُ، الْمُعَمَّرُ، الْمَزَارِعُ، الْمُواصَفَاتُ

تمرین دوم:

هدف، تقویت مهارت ترجمه است.

در خلال ترجمه، نگاهی به آموخته‌های پیشین نیز وجود دارد.

از آنجا که متن درس دربارهٔ طبیعت است، احادیث این تمرین دربارهٔ درختکاری است.

تمرین سوم:

هدف، تقویت آموخته‌های پیشین دانش‌آموز در دورهٔ اوّل متوسطه و تلفیق آن با آموخته‌های

نوین است.

این تمرین تقویت مهارت مکالمه است.

تمرین چهارم:

هدف، تقویت آموخته‌های دانش‌آموز در بخش قواعد درس است.

باید دانش‌آموز با توجه به قواعد معرفه و نکره ترجمهٔ درست ارائه کند.

هدف دیگر این تمرین اشاره‌ای به آثار تاریخی ایران است.

تمرین پنجم:

نه تنها در این درس، بلکه در همه جای کتاب تمرین فعل تکرار شده است و در کتاب‌های

دو سال آینده نیز این تکرار و تمرین بر انواع فعل انجام خواهد شد.

یادگیری فعل بسیار مهم است. مهم‌ترین قاعده در آموزش عربی آموزش انواع فعل است.

آموخته‌های دانش‌آموز در درس سوم و چهارم از کتاب دهم مجدداً بازآموزی و یادآوری

شده است.

اَلْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

هدف بخش پژوهش، تبیین اهمیت درختکاری و احترام به محیط زیست است.

پیشنهاد می‌شود یک ونبوست برای این منظور به اسم مدرسه و برای ثبت فعالیت‌های

دانش‌آموزان ساخته شود.

ارزشیابی

آنچه در دروس قبل دربارهٔ شیوه‌های ارزشیابی نوشته شد در این درس نیز مصداق دارد. متن درس را می‌توان با استفاده از کتاب گویا و نم‌های موجود در اینترنت در مورد این پدیدهٔ طبیعی در کلاس درس اجرا کرد.

وسایل کمک آموزشی

در این درس نیز همچنان استفاده از کتاب گویا، نرم‌افزار، پرده‌نگار (پاورپوینت)، اطلاع‌نگاشت (اینفوگراف)، نم‌های آموزشی (کلیپ)، اعلان (پوستر) و تصویر توصیه می‌شود.

دانش‌افزایی برای دبیر (نه دانش‌آموز)

۱ طَبَّ، یعنی خوب، مترادف آن جَيِّد و حَسَن و متضادش سَيِّء است. در گویش عامیانهٔ عراق زین، در سوریه مَنِيخ و در عربستان سعودی کُوَّيس گفته می‌شود.

۲ «جَوَز» به معنای «گردو» برگرفته از واژهٔ پارسی «گوز» است. در گذشته گردکان نیز نامیده می‌شده است. امروزه در کردی و ترکی همچنان گردکان گفته می‌شود. امروزه در کردی کرمانجی «گوز» کاربرد دارد. در شمال ایران «آغوز» و در میان ترکمن‌ها «قوز» کاربرد دارد.

۳ «السِّيَاح» جمع آن سِيَاحَات، اَسْوَجَة و سُوج [سیج]: دیوار، آنچه بر چیزی احاطه داشته باشد؛ مانند: درخت انگور و نخل. به نرده و دیوارهای چوبی گفته می‌شود.

۴ «الْغَاز» به معنای «گاز» معرَّب واژهٔ gaz در زبان فرانسه است.

۵ «الْمَحْصُول» جمع آن مَحْصُولَات و مَحَاصِيل: محصول، دانه‌ها، به دست آمده‌ها؛ «مَحَاصِيل الْأَرْضِ»: غلات زمین؛ «مَحْصُولُ الْكَلَامِ»: معنا و مفهوم کلام.

۶ «النَّوَاة» جمع آن نَوَى و نَوَايَات و جمع الجمع أَنْوَاء و نَوَى و نَوَى: هستهٔ خرما و مانند آن؛ «نَوَاةُ الدَّرَّة»: هستهٔ اتم.